

Received: 2025/1/21

Accepted: 2026/5/31

from 233 to 257

Seyyedeh Vajiheh Miri

Assistant Professor, Department
of History, Faculty of Literature
and Humanities, Ilam University,
Ilam, Iran.
v.miri@ilam.ac.ir

Keywords:

Indirect instruction, principles
of belief, the Shi'i Imams,
taqiyyah, prayer (du'a).

The Employment of Prayer by the Shi'i Imams in Teaching the Principles of Belief

Abstract

Prayers (du'a) constitute a substantial portion of the narrated heritage of the Shi'i Imams, to the extent that early hadith compilations devote separate sections to them under headings such as "Kitab al-Du'a" and "Bab al-Du'a." This study aims to demonstrate that, for the Shi'i Imams, prayer was not merely a means of drawing near to God and communing with Him; particularly during periods of intensified state surveillance and restricted access to direct instruction and teaching sessions, the Imams skillfully used prayer as a vehicle for conveying the doctrinal content they intended to teach their followers. A close reading of the content of the prayers transmitted from the Imams reveals that, given the needs of the community — especially in light of the doctrinal deviations and innovations (bid'ah) that came to dominate the Islamic world after the death of the Prophet — the teaching of the principles of belief was a priority for them.

The five principles of Imami belief — divine unity (tawhid), prophethood, imamate, divine justice, and resurrection — were all taught through prayer. In particular, the Imams incorporated into their prayers various dimensions of the doctrine of divine unity that were under threat from groups such as the Mushabbihah (anthropomorphists) and the zanadiqah (heretics), thereby instructing their followers in the essential, attributive, active, and practical dimensions of tawhid. With respect to imamate — a doctrine contested by various Islamic sects — the Imams incorporated into their prayers themes such as the divine appointment of the Imam, his infallibility ('ismah), and his knowledge and authority, in order to teach that imamate is not a matter of human selection but of divine appointment. Prayer likewise proved an effective vehicle for teaching the remaining principles of belief, underscoring the significance of du'a and its pedagogical role.

The study is organized, on a descriptive-analytical basis, around two questions: (1) why did the Shi'i Imams choose prayer as a method of instruction? and (2) which principles of belief were taught through prayer?

چکیده

حجم قابل توجهی از میراث روایی امامان شیعه^(ع) را ادعیه تشکیل داده است، به گونه ای که در کتب روایی قدمای سلف، بخشی به عنوان «کتاب الدعاء» و «باب الدعاء» وجود دارد. هدف پژوهش حاضر بیان این مهم است که دعا تنها یک روش تقرب به خداوند و راز و نیاز با او نیست، بلکه امامان شیعه^(ع)، به ویژه در دوران افزایش کنترل های حکومتی و محدودیت آموزش مستقیم و برگزاری جلسات درس توانستند با هوشمندی، مباحث مدنظر برای تعلیم را از این طریق به فراگیران خود منتقل کنند. با تأملی در مضامین ادعیه رسیده از امامان شیعه^(ع) درمی یابیم که تعلیم اصول اعتقادی، با توجه به نیاز جامعه و به ویژه ظهور انحرافات اعتقادی و بدعت هایی که پس از رحلت رسول خدا^(ص) بر جهان اسلام سیطره یافت، در اولویت ایشان^(ع) واقع شد. پنج اصل اعتقادی امامیه، یعنی توحید، نبوت، امامت، عدل الهی و معاد، از طریق دعا تعلیم داده شده است؛ به این معنا که توانستند، ابعاد مختلف مسئله ی توحید را که از سوی گروه هایی مثل مشبهه و زنادقه مورد تهدید قرار گرفته بود، در ادعیه بگنجانند و مباحث توحید ذاتی، صفاتی، افعالی و عملی را از این طریق تعلیم دهند. در اصل امامت که از سوی فرق مختلف اسلامی مورد حمله واقع شده بود، به منظور اینکه به مترین خود بیاموزند امامت روشی انتخابی نیست، بلکه انتصابی الهی محسوب می شود، در ادعیه به مواردی همچون انتصاب الهی امام، عصمت امام، علم و مرجعیت امام ورود کردند. در زمینه ی تعلیم دیگر اصول نیز، روش دعا توانست عملکردی موفق داشته باشد. این امر نشان از اهمیت ادعیه و نقش آن در آموزش دارد. پژوهش حاضر بر اساس روش توصیفی - تحلیلی، حول محور دو پرسش سامان یافته است: چرا دعا به عنوان روشی برای تعلیم از سوی امامان شیعه^(ع) انتخاب شد و تعلیم کدام اصول اعتقادی از طریق دعا انجام شده است؟

واژگان کلیدی:

تعلیم غیرمستقیم، اصول اعتقادی، امامان شیعه^(ع)، تقیه، دعا.

۱- مقدمه

اساس عقیده‌ی تشیع بر این بنیاد نهاده شده است که امامان شیعه^(ع) مرجع نهایی دانش پس از رسول الله^(ص) و شارحان منحصر سنت شریف نبوی^(ص) هستند که به ضرورت زمان، بُعد علمی و فرهنگی ایشان بر بُعد سیاسی غلبه یافت و توانستند مرجعیت علمی خود را بر دیگر جریان‌های فکری و فرهنگی جامعه‌ی خویش برتری دهند. ایشان^(ع) در شرایطی که تحت کنترل شدید حکومت قرار داشتند، صیانت اسلام از انحرافات را در رأس برنامه‌ی خود قرار دادند. اگر توجه داشته باشیم که اجرای برنامه‌ی آموزشی نیاز به ضمانت اجرایی دارد و به عواملی از قبیل محیط اجتماعی و سیاسی مطلوب، تشکیلات، نظام تعلیم و منابع انسانی وابسته است (فیوضات، ۱۳۷۳، ص ۱۱۰)، می‌توان دریافت که امامان شیعه^(ع) در بحث تعلیم، با موانع جدی روبه‌رو بودند؛ زیرا پس از حکومت کوتاه‌مدت امام علی^(ع)، نه تنها از پشتوانه‌ی حکومتی به‌منظور اجرای برنامه آموزشی خود بهره نداشتند، بلکه با واکنش از جانب حکومت نیز مواجه می‌شدند، درحالی‌که جریان‌هایی مانند اهل حدیث و اعتزال، از حمایت‌های حکومتی بهره‌مند بودند و به بسط آرای خود نائل می‌شدند. شناخت این شرایط از آن نظر حائز اهمیت است که روش‌های اتخاذشده از سوی امامان شیعه^(ع) به‌منظور تعلیم متربیان با در نظر گرفتن اوضاع سیاسی انتخاب شده است. در این میان، شدت کنترل‌های حکومتی که به‌ویژه پس از شهادت امام حسین^(ع) به دامان تشیع چنگ انداخت و التزام به اصل تقیه را اجتناب‌ناپذیر ساخت، یکی از عللی بود که سبب شد، امامان شیعه^(ع) از روش دعا به‌منظور تعلیم مفاهیم مدنظر خود استفاده کنند.

۱-۱- پیشینه‌ی پژوهش

پیرامون موضوع دعا مقالات متعددی به رشته تحریر درآمده که به ابعاد تربیتی دعا پرداخته است؛ ازجمله جایگاه دعا در آیات و روایات با تأکید بر رویکرد تربیتی آن از نادر بیگدیلو و دیگران، ادب دعا در شیعه از رسول جعفریان، دعا، محوری در زیارات معصومان^(ع) از علی انجم شعاع، نقش دعا در تربیت انسان از دیدگاه قرآن و کلام معصومین از مسعود قریب و آثار تربیتی و روان‌شناختی دعا از محمد سبحانی‌نیا.

در برخی کتاب‌های نوشته‌شده در حوزه‌ی مسائل تربیتی نیز به مبحث دعا در سیره امامان شیعه^(ع) پرداخته شده است؛ به‌عنوان نمونه، در کتاب سیره تربیتی پیامبر^(ص) و اهل‌بیت^(ع) اثری از محمد داوودی و سید علی حسینی‌زاده، در فصلی با عنوان تربیت عبادی، مبحثی وجود دارد با عنوان تعلیم ذکر و دعا که در این مبحث، به روش‌های تعلیم دعا مانند توصیه به ذکر و دعا و تشویق اهل ذکر و آداب دعا کردن پرداخته شده است.

نوآوری پژوهش حاضر این است که با تکیه بر روش توصیفی-تحلیلی نشان می‌دهد، دعا تنها روشی تربیتی برای تقرب به خداوند و راز و نیاز با او نیست، بلکه طریقی آموزشی نیز به‌شمار می‌رود و امامان شیعه^(ع) به‌ویژه در دوران افزایش کنترل‌های حکومتی و محدودیت آموزش مستقیم و برگزاری جلسات درس توانستند با هوشمندی، مباحث مدنظر را از این طریق به متربیان

خود منتقل کنند.

۲-۱- تعریف مفاهیم

۱-۲-۱- روش تعلیم

روش‌های آموزش را می‌توان بر مبنای متغیرهای مختلف طبقه‌بندی کرد که دو نوع آن کاربرد بیشتری دارد: الف. معلم‌محور: روشی که در آن معلم فعال است. شیوه‌هایی چون سخنرانی، روخوانی و انتقال مطالب به حالت یک‌طرفانه جزو این دسته از شیوه‌های تعلیمی هستند؛ ب. مربی‌محور: روش‌هایی که در آن به فراگیران نقش بیشتری داده می‌شود یا اینکه راهنمایی می‌گردند تا خود به نتیجه‌گیری برسند. این نوع تعلیم را «مثلث پویای تدریس» می‌نامند (فتحی آذر، ۱۳۹۱، ص ۲۰۳). امامان شیعه^(ع) با توجه به شرایط و شدت و ضعف کنترل‌های حکومتی، از روش‌های متنوعی به‌منظور تعلیم متربیان خود استفاده می‌کردند؛ مانند خطابه (سخنرانی)، مباحثه، پرسش و پاسخ و مکاتبه. ایشان^(ع) در ادواری قادر به برگزاری جلسات بحث می‌شدند و در بیشتر موارد نیز چنین موقعیتی فراهم نمی‌شد؛ بر همین اساس بود که روش‌های آموزشی تغییر می‌کرد. در این میان، انتخاب دعا می‌توانست راهبردی هوشمندانه قلمداد شود که باید آن را در دسته‌ی روش‌های معلم‌محور قرار داد.

۲-۲-۱- دعا

کلمه‌ی دعا از «دعو» گرفته‌شده و به معنای خواندن، حاجت خواستن و طلب یاری کردن است (قرشی، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۳۴۴). در معنای اصطلاحی دعا، معنای لغوی آن یعنی درخواست و طلب لحاظ شده است. بر اساس این می‌توان گفت، دعا در اصطلاح شرعی، به معنای روی آوردن به خداوند و درخواست از او با حالت خضوع است (ابن‌زکریا، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۲۷۹). روش تعلیم نیز یعنی استفاده از شیوه‌ها و فنون مناسب برای رسیدن به اهداف مشخص (حسینی‌زاده، ۱۳۹۵، ص ۳۱۳؛ ابوطالبی، ۱۳۸۳، ص ۱۱۶) انتخاب مناسب روش باعث تسریع (حبیبی، ۱۳۹۰، ص ۱۶) و تسهیل (همان، ص ۷۳) در یادگیری می‌شود.

تقیه و فشارهای وارده بر امامان^(ع) و شیعیان ایشان، به‌ویژه پس از شهادت امام حسین^(ع)، برقراری جلسات درس و ارتباط مستقیم میان ایشان را روزبه‌روز سخت‌تر می‌کرد و از دلایلی که روش دعا، به‌ویژه در دوران امام سجاد^(ع) مورد استفاده قرار گرفت، همین مسئله است؛ زیرا با توجه به خفقان و شرایط دشواری که بر عصر امامت سایه انداخته بود، می‌توانست طریقی امن و قابل‌درک برای انتقال مباحث مدنظر امامان شیعه^(ع) به مخاطبان باشد.

۳-۲-۱- اصول اعتقادی

با تأملی در ادعیه‌ی به‌جای‌مانده از امامان شیعه^(ع) می‌توان پنج اصل اعتقادی امامیه را استخراج کرد. کلام امامیه غیر از سه اصل کلی توحید، نبوت و معاد که سایر نحله‌های کلامی مسلمان به

آن‌ها معتقد هستند (سبحانی، ۱۴۳۳، ج ۱، ص ۲۴۶)، از اصول امامت و عدل بهره‌مند است که آن را متمایز می‌کند (همان، ص ۲۳۸). این پنج اصل با جزئیات در ادعیه‌ی امامان شیعه^(ع) قابل استخراج است؛ به عنوان نمونه، با توجه به منابع تاریخی و مستندات روایی، مسئله‌ی امامت هویت‌بخش اصلی کلام امامیه در میان دیگر مذاهب کلامی اسلامی است (کاشفی، ۱۳۸۶، ص ۱۱۰؛ سبحانی، ۱۴۳۳، ج ۱، ص ۲۴۸) و این اصل از ابعاد مختلف مانند نصب الهی امام، عصمت و علم امام در ادعیه مطرح شده است. برخی نیز مسئله‌ی توحید برگرفته از قرآن، سنت پیامبر و امامان شیعه^(ع) را اساس مسائل کلامی امامیه و هویت‌بخش آن دانسته‌اند (جبرئیلی، ۱۴۰۰، ص ۳۹) که این اصل نیز از جوانب متنوع از ادعیه قابل استخراج است. ادعیه به عنوان بخشی از میراث روایی امامان شیعه^(ع)، در مکتب کلامی شیعه تأثیرگذار بود و این اثرگذاری در مرحله‌ی شکل‌گیری و گسترش کلام شیعه نمود پیدا کرد. این مرحله از کلام امامیه که در آن مسائل کلامی به صورت غیرمدون مطرح بود، پس از رحلت رسول خدا^(ع) آغاز شد (ربانی گلیپایگانی، ۱۳۷۳، ص ۱۳۵) و کلام امامیه در مرحله‌ی شکل‌گیری و تکامل خود از مضامین ادعیه که به‌ویژه در فضای ناشی از تقیه، از سوی امامان شیعه^(ع) صادر شد، نیز بهره گرفته است.

۲- یافته‌های پژوهش

عصر امامت از دیدگاه پیدایش و رشد جریان‌های گوناگون عصری حساس بود. با رحلت رسول خدا^(ص)، جامعه‌ی اسلام مبتلا به بدعت و انحراف شد^۱ و از نظر تضارب آرا و اندیشه‌ها نیز حوزه‌ی وسیعی در جهان اسلام پدید آمد. فعالیت گروه‌های مختلف معتزلی (شهرستانی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۵۹-۸۲)، خوارج (همان، ص ۱۳۹-۱۴۴)، مرجئه (همان، ص ۱۶۹-۱۶۱)، اصحاب حدیث (همان، ص ۲۴۳) و أصحاب الرأی (همان، ص ۲۴۵) که مصادر برای هر یک از این گروه‌ها فهرستی از عقاید ارائه کرده‌اند (همان؛ مقریزی، ۱۴۲۴، ج ۴، ص ۴۱۲-۴۰۲)، نشان از فضای تعلیمی فعال، به‌ویژه در حوزه‌ی مباحث اعتقادی دارد.

شرایط دشوار زمان و انحرافات روی داده در حوزه‌ی دین در بخشی از دعای روز سیزدهم ماه رمضان امام سجاد^(ع) نمود یافته است. امام در این دعا به انکار نبوت، تحریف سنت نبوی، برنامه‌ریزی حکومت برای مقابله با قرآن و اسلام، تحریف احکام اسلام، استنادات جعلی به آیات قرآن، تعطیلی فروع دین و ابتلای جامعه اسلام به افراط و تفریط اشاره فرموده است (ابن طاووس، ۱۴۰۹، ص ۱۴۵). اقدامات حکومت در تخریب اصول اعتقادی مسلمانان را می‌توان در ادعیه‌ی عسکرین^(ع) نیز یافت. در قسمتی از دعای مظلوم علیه ظالم، امام هادی^(ع) چنین فرموده است: «خدایا! با نابودی او

۱- این کج‌روی‌ها مدلول عواملی بود: غضب جانشینی رسول خدا^(ص)؛ جلوگیری از نشر حدیث با شعار «حسبنا الله کتاب الله» (بخاری، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۹۷؛ طبری، ۱۴۱۵، ص ۶۸۱)؛ تحریف، بدعت و انحراف از سنت نبوی (یعقوبی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۶۲؛ ابن عربی، ۱۹۹۲، ص ۱۰۴؛ ابن ابی‌الحدید، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۸۸؛ سیوطی، ۱۴۱۷، ج ۱۶۵، ص ۱۹۶)؛ ظهور فرق و جریان‌های متنوع فکری اعتقادی و دگراندیشی با ورود علوم بیگانه توسط نهضت ترجمه (ابن ندیم، بی‌تا، ص ۳۳۸؛ ابوری، ۱۴۲۰، ص ۲۷۵) و تلاش گروه‌های اعتقادی-فکری به منظور تدوین، تبیین و تشریح اعتقادات خود (جعفری، ۱۳۸۲، ج ۳۰۴، ص ۳۳۸).

[متوکل عباسی]، موانع را از حدود معطل شده و احکام معطل مانده و سنت‌های انجام نگرفته و آثار غبار بسته و آیات تحریف شده و مدرسه‌های درگوشه افتاده و محراب‌های خالی مانده و مسجد‌های ویران شده برطرف کن» (همان، ۱۴۱۱، ص ۲۶۵). در دعایی از امام یازدهم^(ع) نیز از تخریب دین سخن به میان آمده است: «خداوند! آزمون‌های سخت ما را فراگرفته و پوشش زنگار بر ما استیلا یافته و ذلت و حقارت ما را درهم کوبیده است و بر ما ناامنی در دین تو حاکم شده است و کان‌های خونابه و چرکین از طرف کسی که حکم تو را معطل کرده... بر امور ما چیره شده است» (همان، ص ۶۳). در چنین اوضاع دشواری، امامان شیعه^(ع) که روش‌های تعلیمی خود را متناسب با شرایط تعریف و ارائه می‌کردند، دعا را نیز به عنوان روشی انتخاب نمودند که ضمن تربیت روح متربیان خود، مفاهیم تعلیمی مدنظر را به آنان منتقل می‌کرد و در این میان، انتقال مباحث لازم برای تبیین حقیقت اصول اعتقادی یکی از امهات تعلیمی ایشان^(ع) محسوب می‌شد.

۱-۲- توحید

مسئله‌ی خداشناسی از مباحثی است که هم امامان شیعه^(ع) به تبیین آن می‌پرداختند و هم پرسش‌های فراوانی درباره‌ی آن از سوی متربیان مطرح می‌شد. این امر به‌ویژه در دو حوزه‌ی صفات خداوند و مسئله‌ی تشبیه نمود پیدا کرد. سؤال‌های متعددی در رابطه با صفات (ابن بابویه، ۱۳۹۸، ص ۱۸۶)، رؤیت (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۹؛ ابن بابویه، ۱۳۹۸، ص ۱۰۸) و پرسش از مکان و چگونگی خداوند (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۷۸، ۸۸، ۸۹، ۹۱) مطرح می‌گردید. در این میان، مسئله‌ی مهمی که در زمینه‌ی مباحث عقیدتی وجود داشت، رواج اندیشه‌های الحادی در جامعه‌ی اسلام بود (نوبختی، ۱۳۸۸، ص ۶۰). گروه‌هایی مانند مشبهه (شهرستانی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۱۱۸) و زنادقه در مسیر تخریب عقاید مسلمانان تلاش می‌کردند (ابن عبدربه، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۱۲۳؛ کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۵۱۱؛ ابوری، ۱۴۲۰، ص ۱۴۸)، درحالی‌که امامان شیعه^(ع) همواره بر نظریه‌ی تنزیه تأکید داشتند و خطب امام علی^(ع) در مبحث توحید، به بهترین شکل گویای این مسئله است (عبدالجبار، ۱۴۱۶، ص ۲۶۸؛ همان، ۱۴۳۹، ص ۱۱۸).

امامان شیعه^(ع) به‌منظور تعلیم اصل توحید و نیز مواجهه با اندیشه‌های الحادی، از روش‌های متعددی استفاده می‌کردند که یکی از این روش‌ها تمسک به روش دعا بود و مضامین توحیدی را در ادعیه می‌گنجاندند. این مهم ضمن بیان دیدگاه ایشان در مبحث کلامی توحید که به‌طور قاطع بر تنزیه تکیه داشت، مواد لازم برای استدلال‌ها و مباحث کلامی را نیز ارائه می‌کرد.

در بخشی از مناجات امام حسن^(ع) به رد اندیشه‌های مشبهی اشاره شده است: «ستایش خدای یکتایی را که شبیهی ندارد، خدای ابدی بدون خلقت و آفریده شدن...» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۳۵۱). در بخشی از دعای عرفه امام حسین^(ع) آمده است: «... پس نیست معبود به حقی جز او و نیست چیزی برابرش و نیست به‌مانند او چیزی و اوست شنوا و بینا» (ابن طاووس، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۳۴۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۴، ص ۳۱۵)؛ در دعایی دیگر از آن حضرت نیز آمده است: «او خدایی است که چیزی همانند او نیست. شنوا و بیناست. دیده‌ها او را درنیابند؛ اما او دیده‌ها را دریابد...»

(ابن شعبه، ۱۴۰۴، ص ۲۴۴). در روایتی آمده است که امام سجاد^(ع) روزی در مسجد پیامبر^(ص) نشسته بود. ناگهان شنید که گروهی خدا را به آفریدگانش تشبیه می‌کنند؛ پس سراسیمه و نگران برخاست و به نزد مرقد پیامبر^(ص) رفت و در آنجا ایستاد و صدایش را بلند کرد، درحالی‌که در پیشگاه خدا دعا نمود و فرمود: «خدایا! قدرت تو آشکار شد؛ اما هیبت تو نهان ماند و تو را نشناختند و برخلاف آنچه هستی، اندازه‌ات گرفتند. من از کسانی که تو را با تشبیه جست‌وجو کردند، بیزارم، درحالی‌که هیچ‌چیزی همانند تو نیست؛ و آنان هرگز تو را درمی‌یابند. نعمت آشکاری که آنان در اختیار دارند، راهنمایشان به‌سوی توست و در میان خلقت راهی وجود دارد که به تو برسند. آنان حتی تو را با خلقت برابر ساختند و به همین سبب تو را نشناختند. آنان برخی از نشانه‌های تو را برگرفتند و با همان نشانه‌ها توصیف کردند و تو از آنچه تشبیه‌کنندگان تو را بدان توصیف کرده‌اند، برتری» (مفید-الف، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۱۵۳؛ اربلی، ۱۴۲۱، ج ۳، ص ۸۹؛ ابن‌بابویه، ۱۳۹۸، ص ۴۸۷). این نقل‌گویی این مهم است که امام صراحتاً قادر به پاسخ‌گویی نبود و چنین اقدامی می‌تواند نشان از تحت نظر بودن آن حضرت^(ع) و التزام ایشان به مسئله‌ی تقیه باشد. در بخشی از دعای آن حضرت که پس از اقامه‌ی نماز شب قرائت می‌فرمود، نیز تعلیم اصل توحید و مواجهه با اندیشه‌های الحادی روشن است: «سُبْحَانَ اللَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا- وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَا مِثْلٌ وَلَا شِبْهُ وَلَا عِدْلٌ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَانَ» (طوسی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۱۳۵).

در قسمتی از دعای ابوحمزه ثمالی که آن را از امام باقر^(ع) روایت کرده نیز آمده است: «اینکه نیست پروردگاری برای من جز تو و نیست معبود به‌حق جز تو. یگانه‌ای، شریکی برای تو نیست» (طوسی، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۵۸۳). در بخشی از دعایی که امام رضا^(ع) پس از نماز خود بیان می‌فرمود، آمده است: «يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ لَا شَرِيكَ لَكَ وَلَا وَزِيرٌ وَلَا عَصْدٌ وَلَا نَصِيرٌ» (همان، ج ۱، ص ۱۵۱). در ادعیه‌ی ثبت‌شده از امام هادی^(ع) نیز مسائل مطرح در این حوزه به‌وضوح بیان‌شده است (ابن‌شعبه، ۱۴۰۴، ج ۴۸۲).

در تعلیم مبحث توحید، به‌منظور مقابله با اندیشه‌های ثنوی‌گرایان، امامان شیعه^(ع) به آگاه کردن جامعه‌ی اسلام اهتمام داشتند که برخی از موضع‌گیری ایشان در قالب دعا نمود یافته است. در مناجاتی از امام حسین^(ع) آمده است: «سپاس خدایی که کسی را به فرزندی نپذیرفته است تا از او ارث ببرد و در قلمرو حکومتش شریکی ندارد تا بر آنچه پدید آورده، بر ضد او عمل کند» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۴، ص ۳۱۷). در ادعیه‌ی وارده از امام سجاد^(ع) نیز نمونه‌هایی از این مواجهه ثبت است، به‌گونه‌ای که در بخشی از دعای وداع ماه رمضان خود، نسبت به این اندیشه‌ها واکنش نشان داده و حقیقت امر را برای شیعیان خود بیان فرموده است: «به‌راستی که سخت گمراه و دچار زیانکاری آشکاری هستند! و ناروای بزرگی را گفته‌اند، درحالی‌که خداوند برای خود فرزند نگرفته و خدای دیگری با او نیست؛ زیرا که با وجود خدای دیگر، هر خدایی به آفریدگان خود گرایش داشت و به یکدیگر برتری می‌جستند! پاک و منزّه است خداوند از آنچه شریک می‌پندارند» (ابن‌طابووس، ۱۴۰۹، ص ۲۴۳). در بخشی دیگر از دعای آن حضرت آمده است: «توفیق شناخت یگانگی خودت و اقرار به ربوبیت را به من دادی. با اخلاص تو را یکتا شمردم و در ملک

و سلطنت برای تو شریکی و بر قدرتت کمک‌کاری قائل نشدم و همسر و فرزندی را به تو نسبت ندادم» (همان، ص ۲۸۵). با تأملی در ادعیه‌ی رسیده از آن بزرگواران، موارد متعددی دیده می‌شود که نشان از تلاش ایشان^(۴) بر تعلیم مبحث توحید و نظریه‌ی تنزیه دارد.

نمونه‌هایی از مفاهیم توحیدی در ادعیه

طوسی، ۱۴۱۱، ج ۱۶، ص ۱، ۲۰، ۳۹، ۴۹، ۵۰، ۵۵، ۵۹، ۸۳، ۸۷، ۱۲۱، ۱۴۰، ۱۶۴، ۱۶۸، ۱۷۴، ۲۰۱، ۲۰۵، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۸، ۲۲۰، ۲۲۷، ۲۳۱، ۲۸۵، ۳۱۶، ۳۸۱، ۳۸۳، ۳۸۴، ۳۸۵.	لا اله الا الله وحده
همان، ص ۵۹، ۶۲، ۶۳، ۶۸، ۶۹، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۹، ۸۲، ۸۵، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۱، ۹۴، ۹۷، ۹۸، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۹، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۸، ۱۲۲، ۱۲۷، ۱۳۲، ۱۴۱، ۱۴۴، ۱۴۶، ۱۶۵، ۱۶۸، ۱۶۹.	لا اله الا أنت
همان، ص ۲۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۶، ۳۷، ۳۹، ۴۹، ۵۱، ۵۵، ۵۹، ۶۸، ۸۳، ۸۵، ۸۷، ۸۹، ۱۲۱، ۱۳۲، ۱۳۵، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۵۱، ۱۵۴، ۱۶۰، ۱۶۴، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۷۴، ۱۷۹، ۱۸۱، ۱۸۲، ۲۰۵، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۲۰، ۲۲۷، ۲۳۱، ۲۸۵، ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۰۸، ۳۱۳؛ ابن طاووس، ۱۴۱۱: ۱۱، ۱۲، ۱۷، ۲۴، ۲۶، ۳۲، ۴۰، ۷۱، ۷۴، ۹۰، ۱۴۷، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۶۶، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۴، ۲۰۶، ۲۳۱، ۲۳۴، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۹، ۲۵۴، ۲۷۷، ۳۰۶، ۳۰۸، ۳۲۱، ۳۲۷.	لا شریک
همان، ص ۳۴، ۱۵۱، ۲۲۸، ۳۰۲، ۴۰۰؛ ابن طاووس، ۱۴۰۹، ص ۲۷۷، ۳۰۸.	لا وزیر

نمونه‌هایی از مباحث توحیدی در صحیفه‌ی سجادیه^۱

مبحث	مؤلفه	شماره‌ی دعا
توصیف ناپذیری خدا	«عجزت عن تعته اوصاف الواصفين.» «اللهم من لا يصفه تعت الواصفين.» «ضلت فيك الصفات و تفسخت دونك النعت.» «لا يبلغ أدنى ما استأثرت به من ذلك اقصى نعت الناعتين.»	دعای ۱ دعای ۳۱ دعای ۳۲ دعای ۳۳
ممکن نبودن رؤیت خداوند	«يا من تنقطع دون رؤيته الابصار» «الذي قُصرت عن رؤيته ابصار الناظرين» «و لم تدرك الابصار موضع اينيتك.»	دعای ۵ دعای ۳۲ دعای ۴۷
نفی ضد و شبیه از خداوند	«فقد قدمت توحيدك و نفى الاضداد و الانداد و الاشباه عنك.» «انت الذي لا ضد معك فيعاندك و لا عدل لك فيكاثرك و لا نَدَّ لك فيعارضك.»	دعای ۴۷ دعای ۴۷
فراتر بودن خداوند از اوهام و ادراک بشر	«أنت الذي قصرت الأوهام عن ذاتيك و عجزت الافهام عن كيفيتك.» «حارت في كبرياتك الأوهام.»	دعای ۴۷ دعای ۳۲
نامتناهی بودن خداوند	«لا حدَّ له بأوليّه و لا منتهى له بأخريه.» «انت الذي لا تحد فتكون محدودا.» «و مجدك أرفع من أن يحد بكهنه.»	دعای ۳۲ دعای ۴۷ دعای ۴۶

۱- سخنان و خطبه‌های امام علی^(ع) نیز سرشار از مضامین توحیدی است (اسکافی، ۱۴۰۲، ص ۲۵-۲۵۴، ۲۹۴).

مبحث	مؤلفه	شماره‌ی دعا
نفی صفات جسمی و بشری از خداوند	«سبحانک لا تحسّ و لا تمسّ و لا تکاد و لا تمط و لا تنازع و لا تجاری و لا تماری و لا تخادع و لا تماکر.»	دعای ۴۷
	«أنت لا یحویک مکان.»	دعای ۴۷
	«و بجلال وجهک الکریم الذی لا یبلی و لا یتغیر و لا یحول و لا یفنی.»	دعای ۵۲
ازلی و ابدی بودن خداوند	«الحمد لله الأول بلا أول کان قبله و الآخر بلا آخر یکون بعده.»	دعای ۱
	«أنت الله الأول فی أولیتک و علی ذلک أنت دائم لا تزول.»	دعای ۳۲

توحید نظری در صحیفه‌ی سجادیه		
الف. خداوند در ذات خود بسیط است.	«الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ بَدِيعَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، رَبِّ الْأَرْبَابِ، وَ إِلَهَ كُلِّ مَالُوهِ، وَ خَالِقَ كُلِّ مَخْلُوقٍ، وَ وَارِثَ كُلِّ شَيْءٍ، لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ، وَ لَا يُعْزَبُ عَنْهُ عِلْمٌ شَيْءٍ، وَ هُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ مُّحِيطٌ، وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ رَقِيبٌ. أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْأَحَدُ الْمُتَوَحِّدُ الْفَرْدُ الْمُتَفَرِّدُ...» (صحیفه سجادیه، دعای ۴۷).	ب. خداوند بی همتاست و شریکی ندارد.
	«أَنْتَ الَّذِي لَمْ يَعْنَكَ عَلَى خَلْقِكَ شَرِيكٌ، وَ لَمْ يُوَازِرْكَ فِي أَمْرِكَ وَزِيرٌ، وَ لَمْ يَكُنْ لَكَ مُشَاهِدٌ وَ لَا نَظِيرٌ... أَنْتَ الَّذِي لَا ضِدَّ مَعَكَ قِيَعَانِدَكَ، وَ لَا عَدْلَ لَكَ قِيَعَانِثْرَكَ، وَ لَا نِدَّ لَكَ قِيَعَارِصَكَ» (همان، دعای ۴۷).	
ب. خداوند بی همتاست و شریکی ندارد.	«إِنَّكَ الْوَاحِدُ الْأَحَدُ الصَّمَدُ، الَّذِي لَمْ تَلِدْ وَ لَمْ تُوَلَدْ وَ لَمْ يَكُنْ لَكَ كُفُوًا أَحَدٌ» (همان، دعای ۳۵).	«لا یحویک مکان» (همان، دعای ۴۷)؛ «سبحانک؛ لا تحس و لا تجس و لا تمس و لا تکاد و لا تمط و لا تنازع و لا تجاری و لا تماری و لا تخادع و لا تماکر ولا یعزب عنه علمشی سبحانک، خضع لک من جری فی علمک و أنت حی صمد سبحانک، قولک حکم وقضاوک حتم، وارادتک عزم، سبحانک لا راد لمشیتک، ولامبدل لکلماتک» (همان، دعای ۴۷).

توحید نظری در صحیفه‌ی سجادیه			
توحید در خالقیت	«اللهم لك الحمد بديع السموات و الارض... و خالق كل مخلوق» (همان، دعای ۴۷). «انت الذي لم ينعك على خلقك شريك و لم يوازرک فی امرک وزیر و لم یکن لك مشاهد ولا نظیر» (همان).	توحید در ربوبیت	
	«اللهم لك الحمد... رب الارباب» (همان). «سبحانه ما اعجب ما دبر فی امرک. فاسال الله ربی و ربک» (همان، دعای ۴۳). «...اوکیف یغیب عنک ما انت تدبره» (همان، دعای ۵۲).		
	«أَنْتَ أَشْهَدُ أَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، قَائِمٌ بِالْقِسْطِ، عَدْلٌ فِي الْحُكْمِ، رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ، مَالِكِ الْمُلْكِ» (همان، دعای ۶) «اللهم أنك كلفتني من نفسي ما انت املك به منی» (همان، دعای ۲۲).		توحید در مالکیت
	«الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ ... وَ إِلَهَ كُلِّ مَالُوهِ... أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ» (همان، دعای ۴۷).		توحید در الوهیت
توحید در عبادت	«وَإِنِّي وَإِنْ لَمْ أَقْدِمْ مَا قَدَّمُوهُ مِنَ الصَّالِحَاتِ فَقَدْ قَدَّمْتُ تَوْحِيدَكَ وَ نَفَى الْأَضْدَادِ وَ الْأَنْدَادِ وَ الْأَشْبَاهِ عَنْكَ، وَ أَتَيْتُكَ مِنَ الْأَبْوَابِ الَّتِي أَمَرْتَ أَنْ تُؤْتِيَ مِنْهَا، وَ تَقَرَّبْتُ إِلَيْكَ بِهَا لَا يَفْرُبُ أَحَدٌ مِنْكَ إِلَّا بِالتَّقَرُّبِ بِهِ. . تَعَمَّدَنِي فِي يَوْمِي هَذَا بِهَا تَتَعَمَّدُ بِهِ مَنْ جَارَ إِلَيْكَ مُتَنَصِّلًا، وَ عَادَ بِاسْتِغْفَارِكَ تَائِبًا. وَ تَوَلَّيْتُ بِهَا تَتَوَلَّى بِهِ أَهْلَ طَاعَتِكَ وَ الرَّفْقَى لَدَيْكَ وَ الْمَكَانَةَ مِنْكَ» (همان، دعای ۵۴)		

۲-۲- نبوت

گزاره‌های تعلیم داده‌شده از سوی امامان شیعه^(ع) در مبحث نبوت و با تکیه بر روش دعا را می‌توان به چند مورد تفکیک کرد:

۲-۲-۱- نبوت رسول خدا^(ص) در امتداد نبوت سایر پیامبران^(ع)

از اقداماتی که امامان شیعه^(ع) با تکیه بر روش دعا انجام می‌دادند، بیان نبوت رسول خدا^(ص) در امتداد رسالت سایر پیامبران بود. این امر نشان از آن داشت که پیامبران در امتداد یک خط به نبوت منصوب شده‌اند و هدف همه‌ی آنان یکی بوده و رسول اکرم^(ص) به‌عنوان خاتم رسولان، در انتهای این خط قرار گرفته است. این امر پیوند میان ادیان را ایجاد می‌کرد. در بخشی از دعای عصر جمعه‌ی امام صادق^(ع) آمده است: «اللَّهُمَّ فَصَّلْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ ارْحَمْ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ وَ رَحِمْتَ وَ بَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ اللَّهُمَّ وَ امْنُنْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ كَأَفْضَلِ مَا مَنَنْتَ عَلَى مُوسَى وَ هَارُونَ اللَّهُمَّ وَ سَلِّمْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ كَأَفْضَلِ مَا سَلَّمْتَ عَلَى نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ...» (طوسی، ۱۴۱۱، ص ۱-۳۹۲، ص ۳۹۱؛ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۱۱۹؛ ابن‌ادریس، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۲۳۰؛ حمیری، ۱۴۱۳، ص ۴۰). در بخشی از دعای پس از نماز ظهر آن حضرت نیز آمده است: «وَ تَرَحَّمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَ

آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ اللَّهُمَّ امْنُنْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا مَنَنْتَ عَلَى مُوسَى وَ هَارُونَ وَ سَلَّمْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا سَلَّمْتَ عَلَى نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ وَ أَوْرِدْ عَلَيْهِ مِنْ ذُرِّيَّتِهِ وَ أَزْوَاجِهِ وَ اَهْلَ بَيْتِهِ وَ أَصْحَابِهِ وَ أَتْبَاعِهِ مَنْ تُقَرُّ بِهِ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۴۰۲؛ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۹۹؛ طوسی، ۱۴۱۱، ج ۶۳، ص ۱)؛ «أَنَّ مُحَمَّدًا نِعَمَ الرَّسُولِ أُرْسِلَ أَشْهَدُ أَنْ مَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ ارْحَمْ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ وَ بَارَكْتَ وَ رَحِمْتَ وَ تَرَحَّمْتَ وَ تَحَنَّنْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ السَّلَامُ عَلَى جَمِيعِ أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَ مَلَائِكَتِهِ وَ رُسُلِهِ» (همان، ج ۱، ص ۴۶). در بخشی از دعای موسوم به «ام داوود» که از امام صادق (ع) روایت شده، سلسله‌ی انبیا و اوصیا به صورت کامل‌تری آمده است: «صَلِّ عَلَى هَابِيلَ وَ شِيثَ وَ إدْرِيسَ وَ نُوحَ وَ هُودَ وَ صَالِحَ وَ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ وَ إِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ وَ يُونُسَ وَ الْإِسْبَاطَ وَ لُوطَ وَ شَعِيبَ وَ أَيُّوبَ وَ مُوسَى وَ هَارُونَ وَ يُوْسَعَ وَ مِيشَا وَ الْخَضِرَ وَ ذِي الْقُرَيْنِ وَ يُونُسَ وَ إِيَّاسَ وَ الْيَسَعَ وَ ذِي الْكُفْلِ وَ طَالُوتَ وَ دَاوُدَ وَ سَلِيمَانَ [وَ أَصْفَ] وَ زَكَرِيَّا وَ شُعْيَا وَ يَحْيَى وَ تُوْرَخَ وَ مَتَّى وَ أَرْمِيَا وَ حِفْصُوقَ وَ دَانِيَالَ وَ عَزِيرَ وَ عِيسَى وَ شَمْعُونَ وَ جَرَجِيسَ وَ الْحَوَارِيْنَ وَ الْأَتْبَاعَ وَ خَالِدٍ وَ حَنْظَلَةَ وَ لُقْمَانَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ» (ابن طاووس، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۶۶۰).

۲-۲-۲- احیای سنت رسول خدا(ص)

سنت، عبارت است از گفتار، کردار و تقریر رسول خدا(ص) که یکی از منابع و پایه‌های شناخت احکام شرعی در حوادث واقعه و موضوعات مستحدث محسوب می‌شود (جناتی، ۱۳۶۷، ص ۷۵) و پس از کتاب الهی قرآن، مهم‌ترین منبع دین اسلام در شناخت شریعت و فهم طریقت است (بروجردی، ۱۴۲۹، ج ۲۲، ص ۱۱؛ ج ۳۰، ص ۸)؛ منبعی که پس از رحلت رسول خدا(ص) مبتلا به تحریف و بی‌توجهی شد (ابن عبدالبر، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۱۲۲۱)، درحالی‌که آن حضرت ترک‌کننده‌ی سنت را لعنت کرد (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۲۹۳) و فرمود: «من رغب عن سنتی فلیس منی» (ابن حیون، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۶۵).

یکی از مهم‌ترین اهداف امامان شیعه (ع) احیای سیره و سنت نبوی بود؛ هدفی که با دستیابی به آن، انحراف و بدعت از بین می‌رفت و حقیقت اسلام اصیل به جامعه جریان پیدا می‌کرد. بر اساس همین، مهم‌ترین مسئله در حکومت امام علی (ع)، احیای سنت پیامبر (ص) و برخورد با بدعت‌ها بود (خطبه‌ی ۱۶۴، ۲۱، ۱۴۵). این مسئله در زیارت‌نامه‌ای که امام حسن عسکری (ع) خطاب به امیرالمؤمنین (ع) بیان فرمود، نیز آمده است: «مَوْلَايَ بِكَ ظَهَرَ الْحَقُّ وَ قَدْ نَبَذَهُ الْخَلْقُ وَ أَوْضَحَّتِ السُّنَنُ بَعْدَ الدُّرُوسِ وَ الطَّمَسِ؛ مَوْلَايَ مَنْ! به‌واسطه‌ی وجود تو دین حق آشکار گردید، درحالی‌که مردم همگی آن را پشت سر افکندند و تنها تو بودی که سنن و احکام الهی را روشن ساختی؛ پس از آنکه کهنه و نابود و پایمال شده بود» (مجلسی: ۱۴۰۳، ج ۹۷، ص ۳۶۶).

در ادعیه‌ی به‌جای‌مانده از امام سجاد (ع)، التزام به شناساندن رسول خدا(ص) و سنت آن حضرت به جامعه‌ی اسلام کاملاً روشن است. آن حضرت برترین اعمال نزد خداوند را عمل به سنت رسول

خدا^(ص) می‌دانست: «إِنَّ أَفْضَلَ الْأَعْمَالِ عِنْدَ اللَّهِ مَا عُمِلَ بِالسَّنَةِ وَإِنْ قَلَّ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۷۰؛ برقی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۲۱)، به‌گونه‌ای که در ادعیه‌ی خود، از خدا می‌خواست بر سنت محمد^(ص) زندگی کند: «وَأُحِينَا عَلَى سُنَّتِهِ» (طوسی، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۴۹۵، ۵۵۲) و بر سنت محمد^(ص) بمیرد: «تُوفِنِي عَلَى مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ وَفَطْرَتِهِ وَ عَلَى دِينِ مُحَمَّدٍ^(ص) وَ سُنَّتِهِ» (همان، ص ۶۰۶؛ ابن‌طاووس، ۱۴۰۹، ص ۱۶۱) و از درگاه الهی چنین مسئله داشت: «اللَّهُمَّ اسْتَعْمِلْنِي عَلَى كِتَابِكَ وَ سُنَّةِ نَبِيِّكَ» (طوسی، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۶۸۴). امام صادق^(ع) در توصیه به شیعیان می‌فرمود که در قنوت نماز جمعه این دعا را قرائت کنند: «اللَّهُمَّ إِنَّ عِبِيداً مِنْ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ قَامُوا بِكِتَابِكَ وَ سُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ» (همان، ج ۱، ص ۳۶۷). امام رضا^(ع) نیز در بخشی از یکی از ادعیه‌ی خود، بر تغییر سنت نبوی پس از رحلت آن حضرت^(ص) اشاره کرده است: «غَيِّرُوا سُنَّةَ نَبِيِّكَ اللَّهُمَّ الْعَنَهُمْ...» (همان، ص ۱۵۴). در بخشی از دعایی که در شناساندن امام زمان (عج) به شیعیان بیان کرد، چنین فرمود: «وَ أَحْيِ بِهِ سُنَّةَ نَبِيِّكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ» (ابن‌طاووس، ۱۳۳۰، ص ۵۱۴).

۳-۲-۲- برقراری پیوند میان محمد و آل محمد^(ص)

سیاست حکومت‌های معاصر با امامان شیعه^(ع)، ایجاد شکاف میان امت و خاندان رسول خدا^(ص) بود. بر اساس این، در ادعیه‌ی باقی‌مانده از آن بزرگواران^(ع)، با صلوات‌های مکرر بر محمد و آل محمد^(ص) روبه‌رو می‌شویم که خاندان رسول خدا^(ص) را در پیوند با آن حضرت قرار می‌داد (همان، ۱۴۰۹، ص ۴۴-۴۳، ۱۶۶، ۱۸۹، ۲۰۲، ۲۶۴، طوسی، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۴۳۰، ۴۳۱، ۴۳، ۴۳۶، ۴۴۳، ۴۴۴، ۴۴۷، ۴۴۹، ۴۵۲، ۴۵۳، ۴۵۴، ۴۵۷، ۴۵۸، ۴۶۳، ۴۶۶، ۴۸۰-۴۷۵، ۴۸۳، ۴۸، ۴۹۰، ۴۹۱، ۴۹۸-۴۹۴، ۵۰۰، ۵۰۶، ۵۰۷، ۵۱۸-۵۱۲، ۵۲۱، ۵۲۲، ۵۲۳، ۵۲۷، ۵۳۴، ۵۴۳، ۵۴۴، ۵۴۵، ۵۴۷، ۵۵۵-۵۵۱، ۵۶۳-۵۵۸، ۵۷۱-۵۶۵، ۵۷۷-۵۷۳، ۵۸۱، ۶۰۱-۵۸۷، ۶۰۵، ۶۰۶-۶۱۰، ۶۱۰، ۶۲۰، ۶۲۱، ۶۲۴، ۶۲۵، ۶۳۵-۶۲۸، ۶۳۷، ۶۳۸، ۶۴۰، ۶۴۸، ۶۵۰، ۶۵۱، ۶۵۲، ۶۵۴، ۶۵۵، ۶۵۷، ۶۵۸، ۶۶۹، ۶۷۲، ۶۸۸، ۶۹۲، ۶۹۵، ۶۹۸-۶۹۶، ۷۰۵، ۷۱۷، ۷۲۱، ۷۲۲، ۷۲۴، ۷۲۶، ۷۲۸، ۷۲۹، ۷۳۳، ۷۳۴، ۷۴۰، ۷۴۳، ۷۴۴، ۷۴۶، ۷۵۰، ۷۶۲، ۷۶۳، ۷۶۵، ۷۷۸، ۷۷۹، ۷۸۶-۷۸۲، ۸۰۱، ۸۰۹، ۸۱۱، ۸۱۵، ۸۱۶، ۸۲۸، ۸۲۹، ۸۳۵-۸۳۳، ۸۳۵). (۸۵۰، ۸۴۳، ۸۳۸، ۸۳۵).

ایشان^(ع) نه‌تنها این پیوند را برقرار می‌کردند، بلکه خود را به‌عنوان مصداق آل محمد^(ص) معرفی می‌فرمودند. در بخش پایانی دعای کمیل در این رابطه چنین آمده است: «... صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَفْعَلْ بِی مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ وَ الْأُمَّةِ الْمَيَامِينِ مِنْ آلِهِ» (طوسی، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۸۵۰؛ ابن‌طاووس، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۷۱۰؛ همان، ۱۳۳۰، ص ۵۵۳). در زیارت جامع‌ه‌ی امام هادی^(ع) نیز به‌طور مکرر بر این معنا تأکید شده است و اهل‌بیت رسول خدا^(ع) به معنای خاص آن، با تعبیری ویژه معرفی شده‌اند: «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ النَّبُوَّةِ وَ مَوْضِعِ الرِّسَالَةِ وَ مُخْتَلَفِ الْمَلَائِكَةِ وَ مَهِيْطِ الْوَحْيِ وَ مَعْدِنِ الرَّحْمَةِ وَ خَزَائِنِ الْعِلْمِ وَ مُنْتَهَى ... وَ أَوْصِيَاءِ نَبِيِّ اللَّهِ وَ ذُرِّيَةِ رَسُولِ اللَّهِ ...» (ابن‌بابویه، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۶۱۰؛ حموی شافعی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۷۹-۱۸۰؛ ابن‌بابویه، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۲۷۲). در بخشی از دعای امام هادی^(ع) که در شب اول ماه رجب بیان می‌فرمود، نیز امامان شیعه^(ع) به‌عنوان مصداق آل محمد^(ص) یاد شده‌اند: «اللَّهُمَّ بِنَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ وَ الْأُمَّةِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ صَلَّى اللَّهُ

عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ أَنْجَحَ طَلَبَتِي» (طوسی، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۷۹۸).

۳-۲- امامت

مسئله‌ی امامت از مهم‌ترین عوامل ایجاد انشعاب میان مسلمانان است و به تعبیری، بزرگ‌ترین اختلاف میان امت اختلاف در مسئله‌ی امامت است (شهرستانی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۳۱)؛ موضوعی که در دوران امامت از مهم‌ترین مباحث کلامی روی داده میان مسلمانان بود (نوبختی، ۱۳۸۸، ص ۳۵-۲۹)؛ و این در حالی بود که به نقل رسول‌الله^(ص)، کسی که امام خود را نشناسد، به مرگ جاهلیت خواهد مرد (ابن‌حمره، ۱۴۱۹، ص ۴۹۵).

از مواردی که می‌توانست سبب توجه بیشتر شیعیان و سایر گروه‌های اسلامی به مسئله‌ی امامت شود، روایاتی است که از امامان شیعه^(ع) در بیان اهمیت و جایگاه امام بیان شده است. در همین رابطه است که امام سجاد^(ع) پیرامون رسالت امامت فرمود: «خداوند! به‌وسیله‌ی امام کتاب، حدود و شرایع و سنت‌های رسولت را برپا دار و به‌واسطه‌ی او آنچه از نشانه‌های دینت که ستمکاران آنان را نابود کرده‌اند، دوباره احیا کن و توسط او جور و بیداد را از آیینت پاک گردان و به‌وسیله‌ی او سختی‌ها و مشکلات راهت را برطرف ساز و به دست او آنان که از دین تو برگشتند، از میان بردار و توسط او سرکشان کج‌اندیش را که راه راست تو را منحرف ساختند، نابود ساز و او را نسبت به دوستانت نرم گردان و نسبت به دشمنانت دست قدرت او را بگشای» (صحیفه‌ی سجادیه، دعای ۴۷، بند ۶۳-۶۲). آن حضرت عبادت بدون ولایت را بدون سود و منفعت می‌دانست (برقی، بی‌تا، ج ۱، ص ۹۱).

در ادعیه‌ی به‌جای‌مانده از امامان معصوم^(ع)، در تبیین مسئله‌ی امامت، به‌صورت یک مفهوم شیعی، به‌طور ویژه بر چهار محور تأکید شده است: انتصاب الهی، عصمت، علم و مرجعیت.

۳-۲-۱- انتصاب الهی

نصب امام یکی از مسائل مورد اختلاف در میان گروه‌های اسلامی بود و فرقی مانند معتزله، خوارج، مرجئه و زیدیه اعتقادی به مسئله‌ی نص و نصب امام نداشتند (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۲۲۴؛ حلی، ۱۴۱۳، ص ۳۶۲)، درحالی‌که امامیه کسانی هستند که به نص جلی بر امامت دوازده امام از اهل‌بیت حضرت رسول^(ص) باور دارند (مفید، بی‌تا، ص ۴۱؛ علم‌الهدی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۳۲۲؛ علم‌الهدی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۶۴) و اختیار نصب امام را مختص خداوند می‌دانستند (ابن‌بابویه، ۱۴۱۸، ص ۲۶-۲۵). درواقع، یکی از مسائلی که سبب منازعات کلامی بزرگ میان شیعه و سایر گروه‌های اسلامی می‌شد، مسئله‌ی انتصاب امام بود که شیعه اعتقاد داشت این امر همچون مسئله‌ی نبوت در اختیار خداوند است و مردم هیچ اختیاری در نصب امام ندارند (شریف‌القرشی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۰۱).

امامان شیعه^(ع) در این مبحث ورود پیدا کرده‌اند و آرای خود را حتی در سخت‌ترین شرایط تقیه بیان فرموده‌اند، به‌گونه‌ای که امام سجاد^(ع) در مناجات خود، آشکارا به این مفاهیم پرداخت،

آن گونه که در انتصاب الهی در امر امامت فرمود: «خدایا! بر پاکان اهل بیت پیامبر^(ص) که برای خلافت خود انتخابشان فرمودی، درود فرست» (دعای ۴۷، بند: ۵۶)، «خدایا تو در هر زمانی دینت را به وسیله امامی تأیید کردی و او را نشانه‌ای برای بندگان قرار دادی» (دعای ۴۷، بند: ۶۰) «پروردگارا مقام امامت مخصوص خلفا و برگزیدگان توست، آنان که محل امانت تو هستند، در درجه عالی معرفت و رتبه اعلای تقرب که تو آن رتبه را بدانان اختصاص دادی» (صحیفه‌ی سجاده، دعای ۴۸، بند ۹): «خدایا مرا از اهل توحید و ایمان به حضرتت و تصدیق به رسالت پیامبرت قرار ده و پیرو امامانی که اطاعتشان را بر ما واجب فرموده‌ای» (همان، بند ۱۲): «و ما را مطیع دستورات امامان قرار ده، همان گونه که خودت امر فرمودی» (همان، دعای ۳۴، بند ۵). در بخشی از زیارت جامع‌ه‌ی امام هادی^(ع) نیز به مسئله‌ی انتصابی بودن امامت اشاره شده است (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۶۱۰؛ حموی شافعی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۸۰-۱۷۹؛ ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۲۷۲).

۲-۳-۲- عصمت امام

از آنجاکه امام حافظ شریعت است، می‌بایست معصوم باشد و انجام معصیت از سوی امام خلق را از لزوم اطاعت او خارج می‌سازد (حلی، ۱۴۱۳، ص ۳۶۴؛ همان، ۱۳۸۵، ص ۱۴۷، ۱۴۶). درواقع، امام در صورتی می‌تواند هدایت دیگران را به عهده بگیرد که خود مصون از خطا و گمراهی باشد (ابن براج، ۱۴۱۱، ص ۲۴۹). با توجه به حساسیت و اهمیت مقام امامت، در مذهب شیعه همواره بر اصل عصمت امامان شیعه^(ع) تأکید شده است (علم الهدی، ۱۴۲۹، ج ۲، ص ۳۴۷) و با دقتی در مصادر می‌توان موارد متعددی از روایات استخراج کرد که بر اساس آن، امامان^(ع) به تعلیم و ترویج اصل عصمت و لزوم آن برای امام پرداخته‌اند (ابن بابویه، ۱۴۰۳، ص ۱۳۲؛ ثقفی، ۱۴۱۰، ص ۱۱۶؛ خزاز، ۱۴۱۰، ص ۲۹، ۴۵، ۶۹، ۱۱۰، ۱۲۴، ۱۳۴، ۱۵۱، ۱۵۵).

در ادعیه نیز به این مهم پرداخته شده است؛ به عنوان نمونه، در صحیفه‌ی سجاده آمده است: «[خداوند!] با اراده‌ی خود آنان [امامان شیعه^(ع)] را از پلیدی و ناپاکی پاک ساختی» (صحیفه‌ی سجاده، دعای ۴۷، بند ۵۶): «درود فرست بر برگزیدگان خود، حضرت محمد و عترت پاکش که برگزیده از تمام خلق‌اند» (همان، دعای ۳۴، بند ۵): «درود و تحیت خدا بر محمد و خاندان پاک و مطهرش باد» (همان، دعای ۴۷، بند ۱۳۳؛ دعای ۴۸، بند ۳؛ دعای ۵۴، بند ۹؛ دعای ۲۴، بند ۱). در بخشی از زیارت جامع‌ه‌ی امام هادی^(ع) نیز عصمت امامان شیعه^(ع) چنین بیان شده است: «... أشهد أنكم الأئمة الراشدون، المهديون، المعصومون، المكرّمون، المقربون، المتّقون، الصّادقون، المصطفون، المطيعون لله...» (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۶۱۰؛ حموی شافعی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۸۰-۱۷۹؛ ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۲۷۲).

۲-۳-۳- علم امام

از دیدگاه شیعه، علم یکی از صفات امام است. علمی که می‌بایست بر مسائل دنیوی و اخروی احاطه داشته و امام أعلم امت نسبت به مسائل و احکام شریعت، ابعاد سیاسی و تدبیر امور باشد

(ابن‌براج، ۱۴۱۱، ص ۲۴۹؛ علم‌الهدی، ۱۴۱۱، ص ۴۲۹). بر اساس سخنی از امام باقر^(ع)، چون اطاعت امام بر خلق واجب شده، پس لازم است که ریشه و اساس علم نزد امام باشد (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۲۶۱) و این همان علمی است که امام رضا^(ع) آن را مختص امام دانسته است (همان، ص ۲۰۱). از عواملی که می‌توانست مانع ورود افکار و آرای انحرافی به جامعه شیعه شود و جامعه‌ی اسلام را به سوی امامان شیعه^(ع) سوق دهد، دانش جامع ایشان^(ع) بود. بر اساس همین، گزاره‌های متعددی در ادعیه‌ی امامان شیعه^(ع) وجود دارد که مردم را نسبت به علم جامع خود آگاه می‌کردند و ایشان را به سوی خویش فرامی‌خواندند. در دعایی از امام علی^(ع) آمده است: «إِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ شَجَرَةُ النَّبُوَّةِ وَ مَوْضِعُ الرِّسَالَةِ وَ مُخْتَلَفُ الْمَلَائِكَةِ وَ بَيْتُ الرَّحْمَةِ وَ مَعْدِنُ الْعِلْمِ؛ ما اهل بیت شجره نبوت، جایگاه شایسته‌ی رسالت، محل آمد و رفت فرشتگان، خانه‌ی رحمت و معدن دانش و معرفت هستیم» (همان، ص ۲۲۱؛ صفار، ۱۴۰۴، ۵۶). امام سجاد^(ع) تصریح می‌کرد که امام علم تفسیر قرآن را از رسول خدا^(ص) ارث گرفته است (صحیفه‌ی سجادیه، دعای ۴۲، بند ۶-۵) و نیز ائمه را مخزن علم الهی معرفی نمود (همان، دعای ۴۷، بند ۵۶). در بخشی از دعای آن حضرت^(ع) نیز به این مسئله اشاره شده است که امامان شیعه^(ع) معدن علم الهی هستند: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ شَجَرَةَ النَّبُوَّةِ وَ مَوْضِعَ الرِّسَالَةِ وَ مُخْتَلَفِ الْمَلَائِكَةِ وَ مَعْدِنِ الْعِلْمِ وَ اَهْلِيهِ الْوَحْيِ» (طوسی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۴۵). امام هادی^(ع) نیز در زیارت جامعه‌ی خود، به مسئله‌ی علم به‌عنوان یکی از ویژگی‌های امام پرداخته است: «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا اَهْلَ بَيْتِ النَّبُوَّةِ [...] وَ خُزَّانَ الْعِلْمِ [...] وَ مَعَادِنِ حِكْمَةِ اللَّهِ وَ حَفَظَةَ سِرِّ اللَّهِ وَ حَمَلَةَ كِتَابِ اللَّهِ» (ابن‌بابویه، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۶۱۰؛ حموی شافعی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۸۰-۱۷۹؛ ابن‌بابویه، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۲۷۲)؛ در بخشی از صلوات بر پیامبر و آل آن حضرت^(ص) که از سوی امام حسن عسکری^(ع) صادر شده است، نیز بر علم امام و اینکه علم امام منبعث از علم رسول خدا^(ص) است، تأکید شده است: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى بْنِ أَبِي طَالِبٍ أَخِي نَبِيِّكَ وَ وَصِيِّهِ وَ وَلِيِّهِ وَ صَفِيِّهِ وَ وَزِيرِهِ وَ مُسْتَوْدَعِ عِلْمِهِ وَ مَوْضِعِ سِرِّهِ وَ بَابِ حِكْمَتِهِ وَ النَّاطِقِ بِحُجَّتِهِ وَ الدَّاعِي إِلَى شَرِيعَتِهِ» (طوسی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۳۹۹-۴۰۰).

۴-۳-۲- مرجعیت امام

کلیت عقیده‌ی تشیع بر این بنیاد نهاده شده است که امامان شیعه^(ع) مرجع نهایی پس از رسول خدا^(ص)، مفسران حقیقی قرآن مجید و شارحان سنت شریف نبوی^(ص) هستند (مدرسی طباطبائی، ۱۳۹۴، ص ۱۰۷). از مهم‌ترین مظاهر این مرجعیت دانش کامل امامان^(ع)، پیروزی در مباحثه‌های متعدد و به‌ویژه آگاهی بر علوم اسلامی بود که آنان را در جایگاه مورد رجوع و مواجهه دانشمندان و اهل علم قرار می‌داد (خضری، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۳۱۱). تبیین این مرجعیت امری است که در ادعیه‌ی به‌جای‌مانده از امامان شیعه^(ع) مطرح‌شده است و ایشان سعی داشتند، با معرفی خود به‌عنوان درهای علوم الهی، مرجع راستین را به جامعه معرفی کنند (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۹، ص ۱۸؛ کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۱۸۳). ایشان^(ع) جایگاه امام را هم‌ردیف قرآن و چراغ‌های روشنی بیان می‌کردند که خداوند به‌وسیله‌ی

او با بندگان احتجاج می‌کند (ابن حجر هیثمی، بی‌تا، ص ۱۸۲) و در ادعیه‌ی به‌جای‌مانده، جایگاه و منزلت امام تعلیم داده‌شده است: «ما امامان مسلمانی‌م و حجت‌های خدا بر مردمیم و آقایان مؤمنین هستیم. ما مایه‌ی امنیت اهل زمین هستیم، همان‌گونه که ستارگان مایه‌ی امنیت اهل آسمان‌اند و به‌واسطه‌ی ما آسمان از سقوط بر زمین بازداشته شده و به‌واسطه‌ی ما زمین ساکنان خود را فرو نمی‌کشد و زمین از روز خلقت تا روز آخر حیات، از حجت الهی چه شناخته‌شده چه غائب و پنهان خالی نخواهد ماند و اگر چنین نبود، خدا در زمین پرستش نمی‌شد» (فتال نیشابوری، ۱۴۲۳، ج ۱، ص ۱۹۹؛ کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۵۳۱-۵۳۰). در دعای ۴۷ صحیفه‌ی سجادیه نیز، به اینکه مرجعیت امامان معصوم^(ع) امر و انتخابی الهی است و انسان‌ها در رابطه با آن هیچ نقشی نمی‌توانند ایفا کنند، اشاره شده است: «پروردگارا! بر پاکان از اهل بیت پیامبر^(ص) درود فرست، همان‌ها که برای امر خودت انتخابشان کردی و آنان را خزانه‌دار علم و نگهبانان دین خود قرار دادی و به‌عنوان جانشینان خود در زمین و حجت‌های خود بر بندگان برگزیدی و با اراده‌ی خود، آنان را از پلیدی و ناپاکی پاک ساختی و آنان را به‌عنوان وسیله‌ای به‌سوی خود و راهی به‌سوی بهشت خود برگزیدی» (الصحیفه ...، ۱۴۰۹، دعای ۴۷، بند ۲۱۳)؛ مشابه چنین سخنانی از امام باقر^(ع) نیز گزارش شده است (طوسی، ۱۴۱۴، ص ۶۵۴).

امامان شیعه^(ع) با تأکید بر مرجعیت قرآن و امام، به‌عنوان جانشین رسول خدا^(ص)، بر فتاوا و احکامی که با تأثیر از اندیشه‌های انحرافی مانند ارجاء^۱، رأی و قیاس صادر شده بود، خط بطلان می‌کشیدند. در دعای ۴۲ صحیفه‌ی سجادیه، بر مرجعیت قرآن تأکید شده است که در پیوند با مرجعیت امام^(ع) قرار دارد (همان، دعای ۴۲، بند ۱۷۷-۱۷۶).

۴-۲- عدل الهی

در معنای لغوی عدل آمده است: «الْقَضُ فِي الْأُمُورِ وَ (التَّعَادُلُ) التَّسَاوِي» (فیومی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۳۹۶)؛ «الامر المتوسط بين طرفي الإفراط و التفريط و الاستقامة و القصد في الأمور ضدّ الجور» (الشرتونی، ۱۴۱۶، ج ۳، ص ۴۹۴)؛ که نشان از اعتدال در امور و پرهیز از افراط و تفریط دارد. امام علی^(ع) نیز در تعریف عدل فرمود: «الْعَدْلُ يَضَعُ الْأُمُورَ مواضعها» (فتال نیشابوری، ۱۳۷، ج ۲، ص ۴۶۶؛ ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴، ج ۲۰، ص ۸۵). قرآن کریم نیز در آیات متعددی به مسئله‌ی عدل پرداخته است (آل‌عمران: ۱۸۲؛ انفال: ۵۱؛ حج: ۱۰؛ نساء: ۴۰، ۵۸؛ مائده: ۸، ۴۲؛ شوری: ۱۵؛ اعراف: ۲۹؛ یونس: ۴۷، ۵۴؛ هود: ۸۵؛ نحل: ۹۰؛ حدید: ۲۵؛ حجرات: ۹؛ ممتحنه: ۸).

عدل الهی یکی از اصول مهم اعتقادی امامیه است و امام صادق^(ع) توحید و عدل را اساس دین معرفی فرموده است (ابن‌بابویه، ۱۳۹۸، ص ۹۶)، اهمیت این اصل به‌گونه‌ای است که سایر اصول اعتقادی نیز به آن وابسته هستند: «العدل به يتم التوحيد و تتوقف عليه سائر الاصول من النبوه و

۱- کلمه‌ی «ارجاء» را در دو معنا آورده‌اند: انجام دادن کاری پس از کار دیگر و امید داشتن به آینده. مرجه نیت و عقیده را اصل شمردند و گفتار و کردار را بی‌اهمیت دانستند (نویختی، ۱۳۸۸، ص ۲۵؛ مشکور، ۱۳۷۵، ص ۴۰۲-۴۰۶؛ ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴، ج ۶، ص ۳۷۴).

الامامه و المعاد» (شیر، ۱۴۱۸، ص ۸۳). مصادیق کلی عدل الهی در سه شاخه‌ی عدل تکوینی،^۱ عدل تشریعی^۲ و عدل جزایی^۳ نمود یافته است (مفید، ۱۴۱۳، ص ۵۷-۵۸).
در ادعیه‌ی صادرشده از سوی امامان معصوم^(ع)، نمونه‌های متعددی وجود دارد که به عدل الهی اشاره کرده است. نمونه‌هایی که مباحث عدل تکوینی، عدل تشریعی و عدل جزایی را نمود می‌دهد.

۱- خالق هستی هر مخلوقی را متناسب با استعداد ذاتی و غایت مطلوبش آفریده و شرایط موردنیاز زندگی را برای او خلق کرده است. جهان هستی بر همین مبنا به نیکوترین صورت شکل گرفته است: «ربنا الذی اعطى كل شیء خلقه ثم هدى» (طه: ۵۰)؛ «الذی خلق فسوی و الذی قدر فهدی» (اعلی: ۲۳).
۲- خالق هستی مخلوقات را که سزاوار کمالات معنوی و عقلانی هستند، مشمول هدایت‌های تشریعی قرار داده است و آنچه را رشددهنده‌ی پرورش‌ها و استعدادهای آن‌ها است، از طریق وحی و عقل به ایشان تعلیم داده است. ضمن اینکه در تشریع نیز توان مخلوق را مدنظر داشته و او را آنچه طاقت ندارد، تکلیف نفرموده است.
۳- پاداش و جزای الهی بر اساس عدل صورت می‌گیرد و بر این مبنا، به هیچ مخلوقی ستم وارد نخواهد شد: «و نضع الموازين القسط لیوم القيامة فلا تظلم نفس شیئا» (انبیاء: ۴۷)؛ «شهد الله انه لا اله الا هو و الملائكة و اولوا العلم قائما بالقسط» (آل عمران: ۱۸)؛ مِنْهُ فَلَا يَنْبَغِي لِلْكَرِيمِ أَنْ يَعَذَّبَ عَبْدَهُ مِمَّا لَا يَكْتَسِبُهُ (ابن بابویه، ۱۳۹۸، ص ۹۶).

امام علی^(ع) در دعای روز عید فطر: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بِكَلِمَتِهِ قَامَتِ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَ قَرَّبَتِ الْأَرْضُونَ السَّبْعُ وَ تَبَتَّتِ الْجِبَالُ الرَّوَاسِي وَ جَرَّتِ الرِّيَاحُ اللُّوَاحِ وَ سَارَ فِي جَوْ السَّمَاءِ السَّحَابُ وَ قَامَتِ عَلَى حُدُودِهَا الْجِبَارُ» (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۵۱۴؛ طوسی، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۶۵۹).
دعای الموقف از امام سجاد^(ع): «خَلَقْتَ الْخَلْقَ بِقُدْرَتِكَ وَ قَدَّرْتَ الْأُمُورَ بِعِلْمِكَ وَ قَسَمْتَ الْأَرْزَاقَ بِعَدْلِكَ» (مفید، ۱۴۱۳، ص ۱۵۳؛ طوسی، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۶۸۹؛ ابن مشهدی، ۱۴۱۹، ص ۴۴۵؛ ابن طاووس، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۳۵۸).
دعا از امام سجاد^(ع): «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ اللَّيْلَ وَ النَّهَارَ بِقُوَّتِهِ وَ مَيَّزَ بَيْنَهُمَا بِقُدْرَتِهِ وَ جَعَلَ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا حُدًّا مَحْدُودًا وَ أَمَدًا مَوْقُوتًا» (الصحیفه السجادیه، ۱۴۰۹، ص ۴۸؛ طوسی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۲۵۴؛ حلی، ۱۴۰۸، ج ۳۶۱).

امام سجاد: «ابْتَدَعَ بِقُدْرَتِهِ الْخَلْقَ ابْتِدَاعًا، وَ اخْتَرَعَهُمْ عَلَى مَشِيَّتِهِ اخْتِرَاعًا، ثُمَّ سَلَكَ بِهِمْ طَرِيقَ إِرَادَتِهِ، وَ بَعَثَهُمْ فِي سَبِيلِ مَحَبَّتِهِ، لَا يُمْلِكُونَ تَأْخِيرًا عَمَّا قَدَّمَهُمْ إِلَيْهِ، وَ لَا يَسْتَطِيعُونَ تَقَدُّمًا إِلَى مَا أَخَّرَهُمْ عَنْهُ وَ جَعَلَ لِكُلِّ رُوحٍ مِنْهُمْ قُوَّتًا مَعْلُومًا مَقْسُومًا مِنْ رِزْقِهِ» (صحیفه سجادیه، دعای ۱، بند ۱).
امام باقر^(ع): «قَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُ بِحِكْمَتِهِ وَ زَهَرَتِ النُّجُومُ بِأَمْرِهِ وَ رَسَتْ الْجِبَالُ بِإِذْنِهِ» (طوسی، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۴۴۲، ص ۴۶۰؛ قطب الدین راوندی، ۱۴۰۷، ص ۹۹؛ ابن طاووس، ۱۳۳۰، ص ۶۳؛ کفعمی، ۱۴۰۵، ص ۱۱۰).

ارسال پیامبران:
امام کاظم: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ صَلِّ عَلَى مَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ وَ أَنْبِيَائِكَ وَ الصِّدِّيقِينَ وَ أَوْلَى الْعَرْزِ مِنَ الْمُرْسَلِينَ الَّذِينَ أَوْدُوا فِي جُنُوبِكَ وَ جَاهَدُوا فِيكَ حَقَّ جِهَادِكَ وَ قَامُوا بِأَمْرِكَ وَ وَحَّدُواكَ وَ عَبَدُوكَ حَتَّى أَتَاهُمُ الْيَقِينُ» (طوسی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۱۳۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۸۴، ص ۲۴۱).
امام صادق^(ع): «لَا شَرِيكَ لَهُ إِلَهَ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ وَ إِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ وَ الْأَسْبَاطَ وَ مُوسَى وَ عِيسَى وَ النَّبِيِّينَ» (طوسی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۱۸۲؛ کفعمی، ۱۴۰، ص ۲۲۷).
امام رضا^(ع): «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى هَابِيلَ وَ شِيثَ وَ إِدْرِيسَ وَ نُوحَ وَ هُودَ وَ صَالِحَ وَ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ وَ إِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ وَ يُوْسُفَ وَ الْأَسْبَاطَ وَ لُوطَ وَ شُعَيْبَ وَ أَيُّوبَ وَ مُوسَى وَ هَارُونَ وَ يُوْسُفَ وَ مِيشَا وَ الْخَضِرَ وَ ذِي الْقَرْنَيْنِ وَ يُونُسَ وَ إِيْلَاسَ وَ الْيَسَعَ وَ ذِي الْكُفْلِ وَ طَالُوتَ وَ دَاوُدَ وَ سُلَيْمَانَ وَ زَكَرِيَّا وَ شَعْيَا وَ يَحْيَى وَ ثَوْرَخَ وَ مَتَّى وَ أَرْمِيَا وَ حَيْقُوقَ وَ دَانِيَالَ وَ عَزِيرَ وَ عِيسَى وَ شَمْعُونَ وَ جَرَجِيسَ وَ الْخَوَارِيسَ وَ الْأَتْبَاعَ وَ خَالِدَ وَ حَنْظَلَةَ وَ لُقْمَانَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ ارْحَمْ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ» (طوسی، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۸۰۹-۸۰۸؛ اقبال الاعمال، ج ۲، ص ۶۶۰؛ کفعمی، ۱۴۱۸، ص ۱۸۱؛ همان، ۱۴۰۵، ص ۵۳۲).

نزول کتب آسمانی:
امام باقر^(ع): «أَسْأَلُكَ بِتُورَةِ مُوسَى وَ إِنْجِيلِ عِيسَى وَ زُبُورِ دَاوُدَ وَ قُرْآنِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ» (طوسی، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۴۷۰؛ کفعمی، ۱۴۱۸، ص ۱۲۸؛ همان، ۱۴۰۵، ص ۱۲۲).
امام صادق^(ع): «لَا شَرِيكَ لَهُ ... مُنْزِلَ التَّوْرَةِ وَ الْإِنْجِيلِ وَ الزَّبُورِ وَ الْفُرْقَانِ الْعَظِيمِ وَ صُحُفِ إِبْرَاهِيمَ وَ مُوسَى» (طوسی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۱۸۲).

امام کاظم^(ع): «اللَّهُمَّ رَبَّ التَّوْرَةِ وَ الْإِنْجِيلِ وَ الزَّبُورِ وَ الْفُرْقَانِ» (همان، ۱، ص ۱۲۲).
دعای ختم قرآن امام سجاد^(ع): «الَّذِي أَنْزَلْتَهُ نُورًا وَ هَدَى وَ جَعَلْتَهُ مَهْمِيمًا عَلَى كُلِّ كِتَابٍ أَنْزَلْتَهُ وَ فَضَّلْتَهُ عَلَى كُلِّ حَبِيبٍ قَصَصْتَهُ وَ فَرَّقَانًا فَرَّقْتَ بِهِ بَيْنَ حَلَائِكِ وَ حَرَامِكِ وَ قَرَأْنَا أَعْرَبْتَ بِهِ عَنْ شَرَائِعِ أَحْكَامِكِ ... جَعَلْتَهُ نُورًا تَهْدِي مِنْ ظُلُمِ الضَّلَالَةِ وَ الْجَهَالَةِ بِاتِّبَاعِهِ وَ شِفَاءَ لِمَنْ أَنْصَتَ بِفَهْمِ التَّصْدِيقِ إِلَى اسْتِمَاعِهِ وَ مِيزَانٍ قِسْطٍ لَا يَحِيفُ غَنِ الْحَقِّ لِسَانَهُ» (همان، ج ۲، ص ۵۱۹).

دعای المَشْلُوب از امام علی^(ع): «یا حاکمُ یا قاضی یا عادِلُ» (ابن طاووس، ۱۴۱۱، ص ۱۵۴؛ کفعمی، ۱۴۰۶، ص ۲۶۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۲، ص ۳۹۹).

امام علی ع: «وَعَدُكَ صَادِقٌ وَ قَوْلُكَ حَقٌّ وَ حُكْمُكَ عَدْلٌ» (ابن طاووس، ۱۴۱۱، ص ۱۲۵).

دعای عرفه: «رَبِّ لَنَا غَيْرُكَ نَأْفِذُ فِينَا حُكْمَكَ مُحِيطٌ بِنَا عِلْمُكَ عَدْلٌ فِينَا قَضَاؤُكَ اِقْضِ لَنَا الْخَيْرَ» (همان، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۳۴۷؛ همان، ۱۴۱۵، ص ۱۰۵؛ کفعمی، ۱۴۱۸، ص ۲۵۷)؛ «وَ اَنْتَ الْحَكَمُ الْعَدْلُ الَّذِي لَا يَجُورُ، وَ عَدْلُكَ مُهْلِكِي، وَ مِنْ كُلِّ عَدْلِكَ مَهْرَبِي» (ابن طاووس، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۸۳؛ کفعمی، ۱۴۱۸، ص ۲۵۶).

امام حسین^(ع): «حَتَّى عَظُمْتُ عَلَيْهَا مُجَازَاتُكَ جَلَلَتْ أَنْ يَخَافَ مِنْكَ إِلَّا الْعَدْلُ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۹، ص ۵۶).

امام سجاد^(ع): «أَشْهَدُ أَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ قَائِمًا بِالْقِسْطِ عَادِلًا فِي الْحُكْمِ» (طوسی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۲۴۷).

دعاء الموقوف از امام سجاد^(ع): «وَ فَصَلَ فِيهَا بِحُكْمِهِ وَ حَكَمَ فِيهَا بِعَدْلِهِ» (همان، ج ۲، ص ۶۹۰).

امام سجاد^(ع): «يَا عَلِيُّ بْنَ الْحُسَيْنِ ذُلُّ مَقَامِكَ بَيْنَ يَدَي رِبِّكَ الْحَكَمُ الْعَدْلُ الَّذِي لَا يَظْلِمُ مَثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ وَ يَأْتِي بِهَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (ابن طاووس، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۴۴۴).

امام سجاد: «قَبِضَهُ إِلَى مَا نَدَبَهُ إِلَيْهِ مِنْ مَوْفُورِ تَوَابِهِ، أَوْ مَحْذُورِ عِقَابِهِ، لِيَجْزِيَ الَّذِينَ أَسَاؤُوا مِمَّا عَمِلُوا وَ يَجْزِيَ الَّذِينَ أَحْسَنُوا بِالْحُسْنَى»؛ «عَدْلًا مِنْهُ» (صحیفه‌ی سجادیه، دعای ۱، بند ۱)؛ «يَجْزِي الَّذِينَ أَسَاؤُوا مِمَّا عَمِلُوا، وَ يَجْزِي الَّذِينَ أَحْسَنُوا بِالْحُسْنَى» (همان، دعای ۶، بند ۷).

دعای غماز شب از صادقین^(ع): «أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» (طوسی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۱۴۴).

امام کاظم^(ع): «قَضَاؤُكَ فَضْلٌ وَ حُكْمُكَ عَدْلٌ وَ أَمْرُكَ جَزْمٌ» (ابن طاووس، ۱۴۱۱، ص ۲۳۸).

۲-۵- معاد

معاد برگرفته از ریشه «ع و د» به معنای بازگشتن و زمان بازگشت است (راغب اصفهانی، بی‌تا، ص ۵۹۴). در قرآن کریم نیز این واژه تنها یکبار در سوره‌ی قصص استفاده شده که به معنای «بازگشت» آمده است: «إِنَّ الَّذِي قَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَيْنَا مَعَادٍ» (قصص: ۸۵). زنده شدن دوباره‌ی مردگان و رسیدگی به اعمال، اصلی منبعث از قرآن و احادیث است که به‌عنوان یکی از مبانی اعتقادی محسوب می‌شود؛ اصلی که امامان شیعه^(ع) با تأکید بر آن، در جلوگیری از انحطاط اعتقادی و اخلاقی جامعه‌ی اهتمام داشتند. یاد مرگ و رسیدگی به اعمال در دادگاه عدل الهی می‌تواند به‌عنوان اهرمی بازدارنده از ابتلای جامعه‌ی اسلام به انحراف و بدعت محسوب شود. در ادعیه‌ی صادره از سوی امامان شیعه^(ع) نمونه‌های متعددی وجود دارد که بر اصل معاد اشاره دارد.

نمونه‌هایی از مبانی معاد در ادعیه

امام علی ^(ع)	دعای پس از نماز: «وَأَنْ جَنَّتْكَ حَقٌّ وَأَنْ نَارَكَ حَقٌّ وَأَنْكُمُيْتُ الْأَحْيَاءَ وَتُحْيِي الْمَوْتَى وَأَنْكَ تَبْعَتْ مَنْ فِي الْقُبُورِ وَأَنْكَ جَامِعُ النَّاسِ لِيَوْمٍ لَا رَيْبَ فِيهِ لَا تَعَادِرُ مِنْهُمْ أَحَدًا وَأَنْكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ» (طوسی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۳۰؛ ابن طاووس، ۱۳۳۰، ص ۲۶۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۸۸، ص ۱۸۰). دعای کمیل: «أَنْ ذَلِكَ بَلَاءٌ وَ مَكْرُوهٌ قَلِيلٌ مَكْنُهُ يَسِيرٌ بَقَاؤُهُ قَصِيرٌ مُدَّتُهُ فَكَيْفَ اخْتِمَالِي لِبَلَاءِ الْآخِرَةِ وَ جَلِيلِ وَفُوعِ الْمَكَارِهِ فِيهَا وَ هُوَ بَلَاءٌ تَطُولُ مُدَّتُهُ وَ يَدُومُ مَقَامُهُ وَ لَا يَخْفُفُ عَنْ أَهْلِهِ... أَفْتَرَاكَ سُبْحَانَكَ يَا إِلَهِي وَبِحَمْدِكَ تَسْمَعُ فِيهَا صَوْتَ عَبْدٍ مُسْلِمٍ سَجَنَ فِيهَا مُخَالَفَتِهِ، وَذَاقَ طَعْمَ عَذَابِهَا مَعْصِيَتِهِ، وَحَبَسَ بَيْنَ أَطْبَاقِهَا بِجُرْمِهِ وَجَرِيرَتِهِ، وَهُوَ يَضِجُ إِلَيْكَ صَجِيحٌ مُؤْمِلٌ لِرَحْمَتِكَ... أَمْ كَيْفَ يَحْرِفُهُ لَهَيْبُهَا وَأَنْتَ تَسْمَعُ صَوْتَهُ وَتَرَى مَكَانَهُ؟ أَمْ كَيْفَ يَشْتَمِلُ عَلَيْهِ زَفِيرُهَا وَأَنْتَ تَعْلَمُ ضَعْفَهُ؟» (طوسی، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۸۴۷؛ ابن طاووس، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۷۰۸).
امام سجاد ^(ع)	«ثُمَّ صَرَبَ لَهُ فِي الْحَيَاةِ أَجَلًا مَوْفُوتًا، وَ نَصَبَ لَهُ أَمَدًا مَحْدُودًا، يَخْطِئُ إِلَيْهِ بِأَيَّامِ عُمْرِهِ، وَ يَرْهَقُهُ بِأَعْوَامِ دَهْرِهِ، حَتَّى إِذَا بَلَغَ أَقْصَى أَثَرِهِ، وَ اسْتَوْعَبَ حِسَابَ عُمْرِهِ، قَبَضَهُ إِلَى مَا نَدَبَهُ إِلَيْهِ مِنْ مَوْفُورِ ثَوَابِهِ، أَوْ مَحْذُورِ عِقَابِهِ» (صحیفه‌ی سجادیه، دعای ۱، بند ۱). «إِسْرَافِيلُ صَاحِبُ الصُّورِ، الشَّائِضُ الَّذِي يَنْتَظِرُ مِنْكَ الْإِذْنَ، وَ حُلُولَ الْأَمْرِ، فَيَنْبَهُهُ بِالنَّفْحَةِ صَرَخَى رَهَائِنِ الْقُبُورِ» (همان، دعای ۳، بند ۱)؛ «و لَا تَكْشِفُ عَنَّا سِتْرًا سَتَرْتَهُ عَلَيَّ رُءُوسِ الْأَشْهَادِ، يَوْمَ تَبْلُو أَخْبَارَ عِبَادِكَ» (همان، دعای ۱۱ بند ۴).
صادقین ^(ع)	«سَيِّدِي صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ لَا تُبَدِّلْنِي جِلْدًا غَيْرَ جِلْدِي فِي النَّارِ يَا سَيِّدِي صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ ارْحَمْ بَدَنِي الضَّعِيفَ وَ عَظْمِي الدَّقِيقَ وَ جِلْدِي الرَّقِيقَ وَ أَرْكَانِي الَّتِي لَا قُوَّةَ لَهَا عَلَى حَرِّ النَّارِ» (طوسی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۱۴۳، ۱۷۱؛ ابن طاووس، ۱۳۳۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳؛ ۸۴، ص ۲۴۸).
امام صادق ^(ع)	«وَأَنْكَ تَبْعَتْ مَنْ فِي الْقُبُورِ وَأَنْ الْحِسَابَ حَقٌّ وَأَنْ الْجَنَّةَ حَقٌّ وَمَا وَعَدَ اللَّهُ فِيهَا مِنَ النَّعِيمِ مِنَ الْأَمَلِ وَ الْمَشْرَبِ وَ النَّكَاحِ حَقٌّ وَأَنْ النَّارَ حَقٌّ» (ابن طاووس، ۱۴۰۶؛ ۶۷؛ کفعمی، ۱۴۰۵؛ ۸۵؛ کفعمی، ۱۴۱۸؛ ۴۷).

نکته‌ی دیگر اشاره‌ای است که در ادعیه نسبت به معاد جسمانی صورت گرفته است؛ مطلبی که در قرآن کریم نیز بارها به آن اشاره شده است.^۱ در وجوب اعتقاد به معاد جسمانی آمده است: «ان الله يعيد الأجسام الفانية كما هي في الدنيا، ليوصل كل حق الى المستحقين و ذلك أمر ممكن و الأنبياء أخبروا به، لا سيما القرآن المجيد مشحون به و لا مجال للتأويل، فالاعتقاد بالمعاد الجسماني واجب» (ابن‌براج، ۱۴۱۱، ص ۲۵۰). امامان شیعه^(ع) نیز در ادعیه‌ی خود، به این مسئله پرداخته‌اند که معاد به‌صورت جسمانی رخ خواهد داد. در دعایی منسوب به صادقین^(ع) آمده است: «يا سَيِّدِي صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ لَا تُضِلْ جَسَدِي بِالنَّارِ يَا سَيِّدِي صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ لَا تُبَدِّلْنِي جِلْدًا غَيْرَ جِلْدِي فِي النَّارِ يَا سَيِّدِي صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ لَا تُعَذِّبْنِي بِالنَّارِ يَا سَيِّدِي صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ ارْحَمْ بَدَنِي الضَّعِيفَ وَ عَظْمِي الدَّقِيقَ وَ جِلْدِي الرَّقِيقَ وَ أَرْكَانِي الَّتِي لَا قُوَّةَ لَهَا عَلَى حَرِّ النَّارِ» (طوسی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۱۴۲-۱۴۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۸۴، ص ۲۹۷)؛ که این دعا جسمانی بودن معاد را

۱- یس: ۷۸-۷۹؛ همان: ۵۲؛ البقره: ۲۵۹؛ فاطر: ۹؛ الزحمن: ۵۴-۵۸؛ الزخرف: ۳۱؛ التوبه: ۳۵؛ یس: ۶۵؛ الأحقاف: ۳۳.

مطرح کرده و این اصل اعتقادی را از قالب روحانی بودن صرف خارج نموده است.

۳- نتیجه‌گیری

با تأملی در ادعیه‌ی صادرشده از سوی امامان شیعه^(ع) به این حقیقت نائل می‌شویم که دعا تنها روشی برای مناجات با خدا محسوب می‌شود، بلکه می‌تواند به‌عنوان شیوه‌ای در انتقال مطالب تعلیمی نیز به‌شمار آید، به‌گونه‌ای که تعلیم پنج اصل اعتقادی امامیه در ادعیه‌ی امامان شیعه^(ع) گنجانده شده است. مباحث مربوط به توحید و شناخت خداوند و به‌ویژه تأکید ایشان بر مسئله‌ی تنزیه به‌وفور در ادعیه قابل‌مشاهده است. اصل نبوت نیز از اصول اعتقادی قابل‌استخراج از ادعیه‌ی امامان شیعه^(ع) است. قرار دادن نبوت پیامبر خاتم^(ص) در امتداد رسالت پیامبران گذشته، احیای سیره‌ی نبوی^(ص) و ایجاد پیوند میان محمد و آل‌محمد^(ص) از مواردی بود که از سوی امامان شیعه^(ع) در ادعیه گنجانده شد. اصل امامت موضوعی است که در دوران امامت امامان شیعه^(ع) از مهم‌ترین مباحث کلامی روی‌داده میان مسلمانان محسوب می‌شد و ایشان^(ع) با تکیه بر روش دعا، به آگاه ساختن جامعه نسبت به این اصل و مباحث خاص آن ازجمله انتصاب الهی، عصمت، علم و مرجعیت امام اهتمام داشتند. پرداختن به اصل عدل الهی به‌عنوان اصلی که در کنار اصل توحید به‌عنوان اساس دین معرفی شده است، فراوان در ادعیه به چشم می‌خورد، به‌گونه‌ای که مصادیق کلی عدل الهی، یعنی عدل تکوینی، عدل تشریعی و عدل جزایی را پوشش داده است. از سوی دیگر، ابتذال روی‌داده در جامعه‌ی اسلام و به‌ویژه فاصله گرفتن از مبانی اعتقادی سبب شد، امامان شیعه^(ع) با تأسی از قرآن صامت، برای مهار انحطاط اعتقادی به زنده نگاه‌داشتن اصل معاد اهتمام داشته باشند؛ اصلی که از پرتو آن، یاد مرگ و حسابرسی آخرت موردتوجه واقع می‌شد. آنچه گفته شد، نشان از جایگاه برجسته‌ی «دعا» به‌عنوان روشی تعلیمی دارد.

منابع

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه؛ گردآورنده: محمد بن حسین شریف الرضی؛ ترجمه‌ی محمد دشتی؛ قم: مشهور، ۱۳۸۵ ش.
- الصحیفه السجادیه الکامله؛ با مقدمه‌ی محمد باقر صدر؛ گردآوری: نعمان نصری؛ قم: مشعر، ۱۴۱۹ ق.
- ابن ابی الحدید، عبد الحمید؛ شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید؛ تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم؛ قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ ق.
- ابن ادریس، محمد بن احمد؛ السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی (و المستطرفات)؛ تحقیق: حسن بن احمد الموسوی و ابوالحسن بن مسیح؛ قم: اسلامی، ۱۴۱۰ ق.
- ابن بابویه، محمد بن علی؛ من لا یحضره الفقیه؛ مصحح: علی اکبر غفاری؛ قم: اسلامی، ۱۳۸۵ ش / ۱۴۱۳ ق.
- _____؛ عیون أخبار الرضا؛ تحقیق: مهدی لاجوردی؛ تهران: جهان، ۱۳۷۸ ش.
- _____؛ التوحید؛ تحقیق: هاشم حسینی؛ قم: اسلامی، ۱۳۹۸ ش.
- _____؛ معانی الأخبار؛ تحقیق: علی اکبر غفاری؛ قم: اسلامی، ۱۴۰۳ ق.
- _____؛ من لا یحضره الفقیه؛ مصحح: علی اکبر غفاری؛ قم: اسلامی، ۱۴۱۳ ق.
- _____؛ الهدایه فی الأصول و الفروع؛ قم: مؤسسه امام هادی^(ع)، ۱۴۱۸ ق.
- ابن براج، عبدالعزیز؛ جواهر الفقه - الجواهر فی الفقه - العقائد الجعفریه؛ تحقیق: ابراهیم بهادری؛ قم: اسلامی، ۱۴۱۱ ق.
- ابن حمزه، محمد بن علی؛ الثاقب فی المناقب؛ قم: انصاریان، ۱۴۱۹ ق.
- ابن حیون، نعمان بن محمد؛ دعائم الاسلام و ذکر الحلال و الحرام و القضايا و الاحکام عن اهل بیت رسول الله^(ص)؛ تحقیق: آصف فیضی؛ قم: مؤسسه آل البيت^(ع) لإحياء التراث، بی‌تا.
- ابن زکریا، احمد بن فارس (۱۳۸۷)، معجم مغاییس اللغة، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ابن شعبه حرانی، حسن؛ تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله؛ قم: اسلامی، ۱۴۰۴ ق.
- ابن طاووس، علی بن موسی؛ مهج الدعوات و منهج العبادات؛ محرر: محمد حسن ابوطالب کرمانی؛ قم: دار الذخائر؛ ۱۴۱۱ ق.
- _____؛ اقبال الاعمال؛ تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۹ ق.
- _____؛ جمال الاسبوع بکمال العمل المشروع؛ قم: دار الرضی، ۱۳۳۰ ق.
- _____؛ الدروع الواقیه؛ بیروت: مؤسسه آل البيت^(ع)، ۱۴۱۵ ق.
- _____؛ فلاح السائل و نجاح المسائل؛ قم: بوستان کتاب، ۱۴۰۶ ق.
- ابن عبدالبر، ابوعمر یوسف بن عبدالله؛ جامع بیان العلم و فضلہ؛ تحقیق: أبی الأشبال الزهیری؛ ریاض: دار ابن الجوزی، ۱۴۱۴ ق.
- ابن عبدربه، احمد بن محمد؛ العقد الفريد؛ تحقیق: مفید محمد قمیحه؛ بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۷ ق.
- ابن مشهدی، محمد بن جعفر؛ المزار الکبیر؛ قم: دفتر اسلامی، ۱۴۱۹ ق.

- ابن ندیم، محمد بن اسحاق؛ الفهرست لابن النديم؛ بيروت: دارالمعرفة، بی تا.
- ابوریه، محمود؛ أضواء على السنة المحمدية أو دفاع عن الحديث؛ قم: مؤسسه انصاریان للطباعة و النشر، ۱۴۲۰ ق.
- اربلی، علی؛ كشف الغمه فی معرفه الائمه؛ مقدمه: احمد حسینی اشكوری، قم: الشریف الرضی، ۱۴۲۱ ق.
- بخاری، ابی عبدالله محمد بن اسماعیل؛ صحیح البخاری؛ قاهره: جمهوریه مصر العربیه، وزاره الاوقاف، لجنه إحياء كتب السنه، ۱۴۱۰ ق.
- برقی، احمد بن محمد؛ المحاسن؛ تصحیح و تعلیق: جلال الدین محدث؛ قم: دارالكتب الاسلامیه، بی تا.
- بروجردی طباطبائی، آقا حسین؛ منابع فقه شیعه؛ ترجمه ی مهدی حسینیان قمی و محمد حسین صبور، تهران: فرهنگ سبز، ۱۴۲۹ ق.
- ثقفی، ابراهیم؛ الغارات؛ تحقیق: عبدالزهراء حسینی، قم: دارالكتاب الاسلامی، ۱۴۱۰ ق.
- جعفری، سید حسین محمد؛ تشیع در مسیر تاریخ: تحلیل و بررسی علل پیدایش تشیع و سیر تکوین آن در اسلام؛ ترجمه ی محمد تقی آیت اللهی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۲ ش.
- جبرئیلی، محمد صفر؛ درآمدی بر کلام شیعه؛ قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۴۰۰ ش.
- جناتی شاهرودی، محمد ابراهیم؛ منابع اجتهاد از دیدگاه مذاهب اسلامی؛ بی جا: بی تا، ۱۳۶۷ ش.
- حبیبی، شراره؛ روش های تدریس پیشرفته؛ تهران: آوای نور، ۱۳۹۰ ش.
- حر عاملی، محمد بن حسن؛ وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه؛ تحقیق: محمد رضا حسینی جلالی؛ قم: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۰۹ ق.
- حلّی، حسن بن یوسف؛ كشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد؛ تصحیح: حسن حسن زاده آملی؛ قم: النشر الإسلامی، ۱۴۱۳ ق.
- _____؛ ترجمه و شرح باب حادی عشر؛ ترجمه ی علی شیورانی؛ شرح: فاضل مقداد؛ قم: دارالفکر، ۱۳۸۵ ش.
- حلّی، رضی الدین علی بن یوسف بن المطهر؛ العدد القویة لدفع المخاوف الیومیة؛ قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۸ ق.
- حمیری، عبدالله بن جعفر؛ قرب الإسناد (ط - الحديثة)؛ تحقیق: مؤسسة آل البيت علیهم السلام، قم: مؤسسة آل البيت، ۱۴۱۳ ق.
- خزاز رازی، علی بن محمد؛ کفایه الأثر فی النصّ علی الائمه الإثنی عشر؛ تحقیق: حسینی کوهکمری، قم: بیدار، ۱۴۱۰ ق.
- خضری، احمد رضا و دیگران؛ تاریخ تشیع دولت ها، خاندان ها و آثار علمی و فرهنگی شیعه؛ قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سمت، ۱۳۸۶ ش.
- دیلمی، حسن بن محمد؛ اعلام الدین فی صفات المؤمنین؛ تحقیق: مؤسسه آل البيت^(ع)؛ قم: مؤسسه آل البيت^(ع)، ۱۴۰۸ ق.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ مفردات ألفاظ القرآن؛ بيروت: دار القلم، بی تا.

- ربانی پلپایگانی، علی؛ «کلام و اندیشه‌های کلامی امامیه»؛ کیهان اندیشه، شماره ۵۴، ۱۳۷۳ ش.
- سبحانی، جعفر؛ رسائل و مقالات؛ قم: مؤسسه امام صادق^(ع)، ۱۴۳۳ ق.
- سیوطی، عبدالرحمن بن أبی‌بکر؛ تاریخ الخلفاء؛ تحقیق: ابراهیم صالح؛ بیروت: دار صادر، ۱۴۱۷ ق.
- شبر، عبدالله؛ حق الیقین فی معرفة أصول الدین؛ بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۸ ق.
- الشرتونی، سعید؛ أقرب الموارد فی فصیح العربیة و الشوارد؛ تهران: اسوه، ۱۴۱۶ ق.
- شریف قرشی، باقر شریف؛ حیاة الامام الرضا^(ع)؛ قم: سعیدبن جبر، ۱۳۸۰ ش.
- شهرستانی، محمد بن عبدالکریم؛ الملل و النحل؛ تحقیق: امیرعلی مهنا و علی حسن فاعور، بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۱۵ ق.
- صفار، محمد؛ بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد^(ص)؛ تحقیق: محسن کوچه‌باغی؛ قم: مکتبه آیة الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ ق.
- طبری امامی، محمد؛ المسترشد فی إمامة علی بن أبی طالب علیه السلام؛ تحقیق: احمد محمودی؛ قم: کوشانپور، ۱۴۱۵ ق.
- طوسی، محمد بن حسن؛ الأمالی، تحقیق قسم الدراسات الاسلامیه مؤسسه البعثه؛ قم: دارالثقافه، ۱۴۱۴ ق.
- _____؛ مصباح المتجهّد؛ تهران: المکتبه الاسلامیه، ۱۴۱۱ ق.
- _____؛ تهذیب الاحکام؛ تحقیق: حسن الموسوی خراسان، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
- عبدالجبار بن احمد؛ المنیة و الأمل؛ گردآورنده: احمد بن یحیی؛ تحقیق: عصام الدین محمد؛ اسکندریه: دارالمعرفه الجامعیه، ۱۴۲۵ ق.
- _____؛ فضل الاعتزال و طبقات المعتزله؛ تحقیق: فؤاد سید، بیروت: دارالفارابی، ۱۴۳۹ ق.
- علم‌الهدی، سید مرتضی علی بن الحسین؛ رسائل الشریف المرتضی؛ تقدیم و اشراف: السید احمد الحسینی؛ بیروت: النور للمطبوعات، بی‌تا.
- _____؛ الذریعة الى اصول الشریعة؛ تحقیق: اللجنة العلمیة فی مؤسسة الإمام الصادق؛ قم: مؤسسة الإمام الصادق، ۱۴۲۹ ق.
- _____؛ الشافی فی الإمامه؛ تحقیق و تعلیق: السید عبدالزهرء الحسینی؛ تصحیح: السید فاضل المیلانی؛ تهران: مؤسسه الصادق، ۱۴۱۰ ق.
- _____؛ الذخیره فی علم الکلام؛ تحقیق: احمد حسینی اشکوری؛ قم: النشر الاسلامی، ۱۴۱۱ ق.
- فتال نیشابوری؛ روضه الواعظین و بصیره المتعلمین؛ قم: دلیل ما، ۱۴۲۳ ق.
- فیومی، أحمد بن محمد؛ المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی؛ قم: مؤسسه دارالهجرة، ۱۴۱۴ ق.
- قاسم پور، محسن؛ «تأثیر آموزه‌های امام صادق بر مباحث کلامی شیعه»؛ حدیث پژوهی، دوره ۲، شماره ۱، ۱۳۸۹ ش.
- قرشی بنابی، علی اکبر؛ قاموس قرآن؛ تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۱۲ ق.
- فیوضات، یحیی؛ مبانی برنامه‌ریزی تعلیمی؛ تهران: ویرایش، ۱۳۷۳ ش.
- قطب‌الدین راوندی، سعید بن هبة الله؛ الدعوات (للاوندی)؛ سلوة الحزین؛ قم: مدرسه امام

- مهدی(عج)، ۱۴۰۷ ق.
- کاشانی، فیض، محم محسن ابن شاه مرتضی؛ الشافی فی العقائد و الأخلاق و الأحکام؛ تحقیق: مهدی انصاری قمی، تهران: دار نشر اللوح المحفوظ، ۱۴۲۵ ق.
 - کاشفی، محمدرضا؛ کلام شیعه؛ ماهیت، مختصات و منابع؛ قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۶ ش.
 - کفعمی، ابراهیم بن علی عاملی؛ المصباح للكفعمی (جنة الأمان الواقية)؛ قم: دار الرضی، ۱۴۰۶ ق.
 - _____؛ البلد الأمين و الدرع الحصین؛ بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۸ ق.
 - کلینی، محمد بن یعقوب؛ الکافی؛ تحقیق علی اکبر غفاری؛ تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
 - مجلسی، محمدباقر؛ بحارالانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار؛ بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
 - مدرسی طباطبائی، سید حسین؛ مکتب در فرایند تکامل: نظری بر تطور فکری تشیع در سه قرن نخستین؛ ترجمه‌ی هاشم ایزدپناه؛ تهران: کویر، ۱۳۹۴ ش.
 - مسعودی، علی بن حسین؛ مروج الذهب و معادن الجوهر؛ تحقیق: اسعد داغر، قم: دارالهجره، ۱۴۰۹ ق.
 - مشکور، محمدجواد؛ فرهنگ فرق اسلامی؛ مقدمه: کاظم مدیر شانه‌چی؛ مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۷۵ ش.
 - مفید، محمد بن نعمان؛ الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد؛ تحقیق: مؤسسه آل البيت^(ع) لإحياء التراث؛ قم: کنگره شیخ مفید ۱۴۱۳ ق. الف.
 - _____؛ الاختصاص، قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق. ب.
 - _____؛ اوائل المقالات؛ قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق. ج.
 - _____؛ کتاب المزار؛ قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق. د.
 - نوبختی، حسن بن موسی؛ فرق الشیعه؛ نجف: مطبعه حیدریه، ۱۳۸۸ ق.
 - یعقوبی، احمد بن اسحاق؛ تاریخ یعقوبی؛ یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب؛ تاریخ یعقوبی؛ بیروت، دار صادر، بی‌تا.

